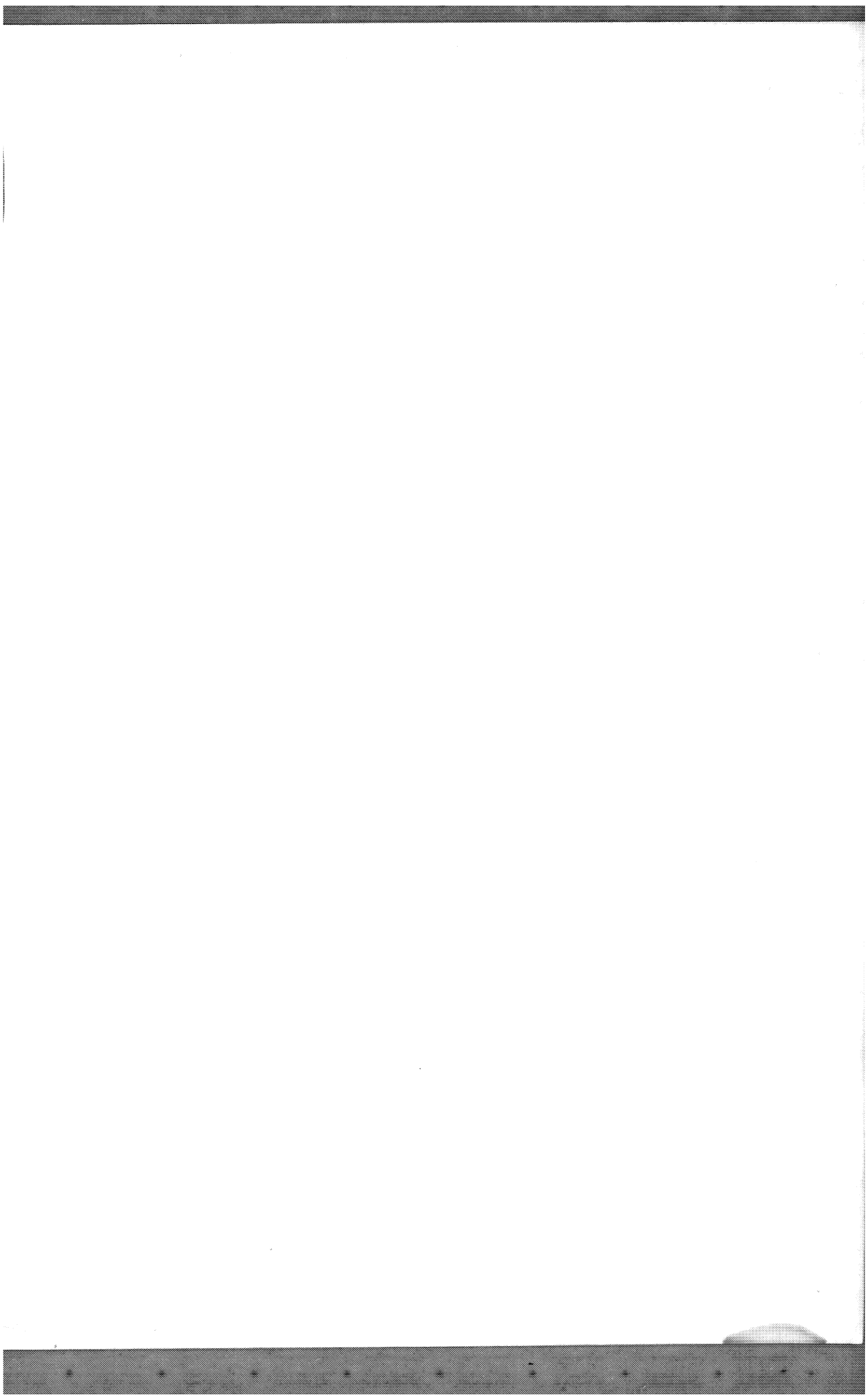




این مجموعه

بفرمان مطاع اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر
توسط کتابخانه پهلوی و دبیرخانه مرکزی اتحادیه
جهانی ایران شناسان تألیف و چاپ شده است .

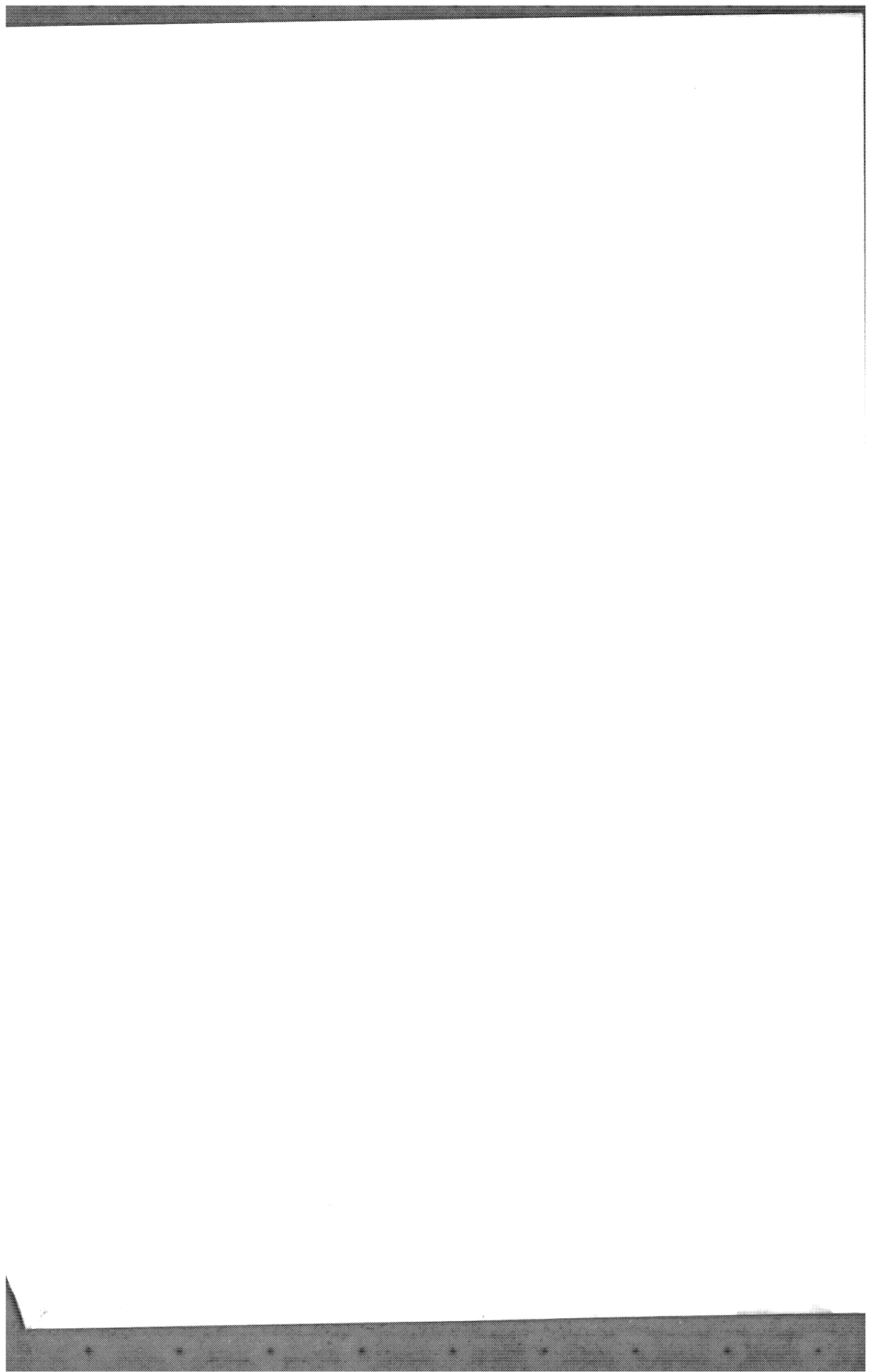


جهان ایران شناسی

تالیف

شجاع الدین شفا

چاپ انتشارت کیمسان



فهرست کلی فصول دوره کامل

جهان‌پژوهی

شامل اطلاعات مربوط به ۸۴ کشور جهان

(به ترتیب تقدم اسامی کشورها بر حسب الفبای فارسی)

آرژانتین - آلبانی - آلمان - اتریش - اتحاد
جماهیر شوری - اتیوپی - اردن هاشمی - اسپانیا -
استرالیا - اسرائیل - افریقای شرقی (زنگبار، تانگانیکا،
کنیا) - افریقای جنوبی - افغانستان - اکوادور -
الجزائر - اندونزی - انگلستان - ایالات متحده امریکا -
اوروگوی - ایتالیا - ایرلند - برزیل - برمه - بلژیک -
بلغارستان - بلیوی - پاکستان - پاناما - پرتقال - پرو -
تایلند - تبت - ترکیه - تونس - چکوسلواکی - چین -
دانمارک - رودسیا - رومانی - ژاپن - سنگاپور - سوئد -
سودان - سوریه - سومالی - سویس - سیلان - شیلی -
عراق - عربستان سعودی - فرانسه - فنلاند - فیلیپین -
قبرس - کانادا - کشمیر - کلمبیا - کویت - گواتمالا -
لبنان - لهستان - لیبی - مالت - مالزی - مالی -
مجارستان - مراکش - مصر - مکزیک - مناکو -
نپال - نروژ - نیوزیلند - واتیکان - هلند -
هندوستان - هنگ‌کنگ - یمن - یوگوسلاوی - یونان .

و

سازمانهای بین‌المللی



جهان‌شناسی

پژوهشی درباره آثار فرهنگ و تمدن ایران

در سراسر جهان :

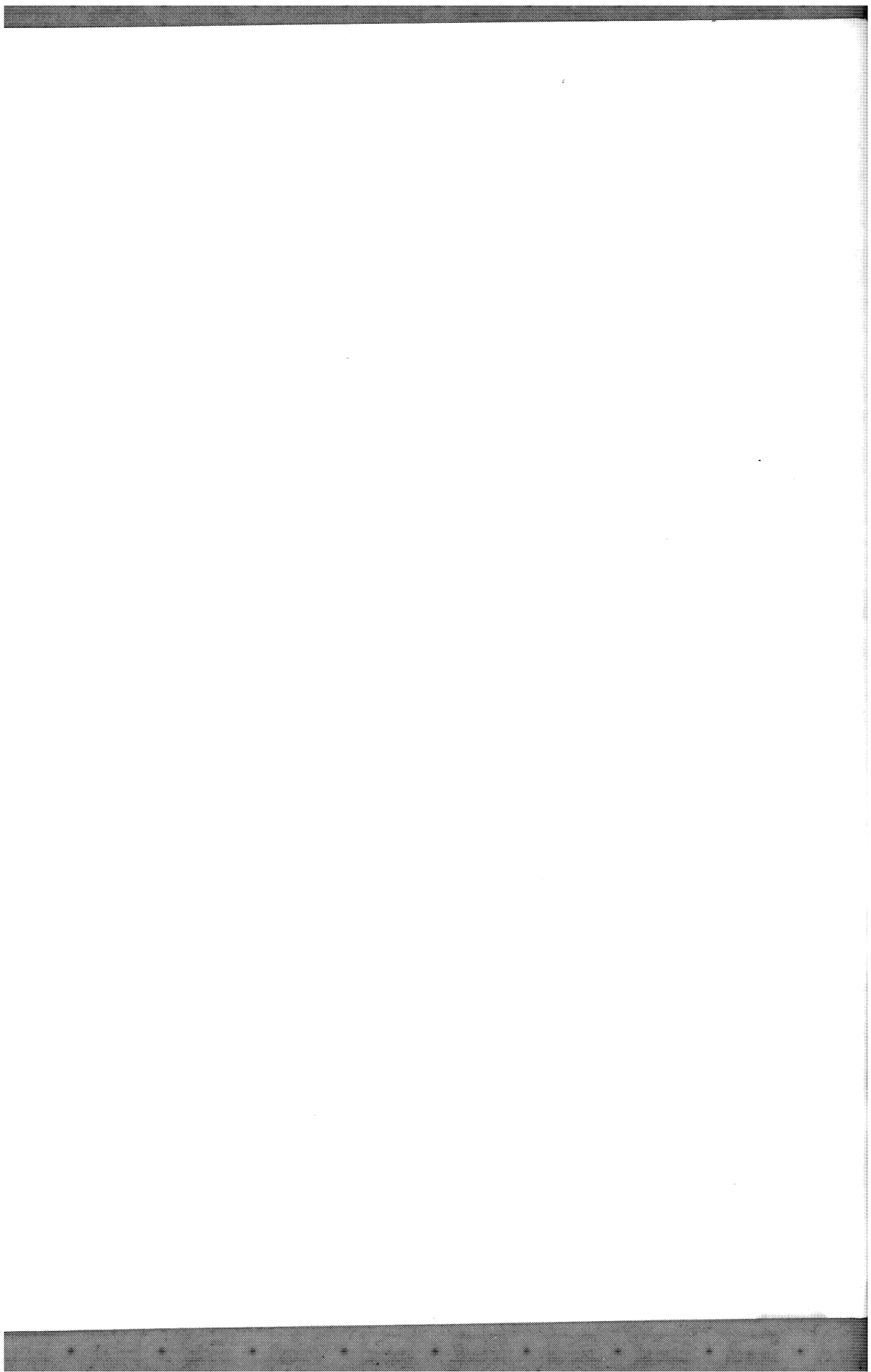
- مراکز مطالعات ایران‌شناسی (آکادمی ها ، انستیتوها ، سمینار ها ، انجمن ها ، سایر مراکز علمی بین‌المللی) با شرح برنامه های مطالعات و اسامی متصدیان آنها .
- مراکز تدریس زبان و ادبیات فارسی و زبانهای ایرانی (دانشگاه ها ، دبیرستانها ، مراکز خصوصی) با شرح برنامه‌های دروس و اسامی استادان و متصدیان آنها .
- مراکز کتب و اسناد خطی فارسی (کتابخانه ها ، آرشیوها ، کلکسیونهای خصوصی) ، و مشخصات فهرست‌های چاپی و خطی آنها .
- مراکز آثار هنری و باستانی ایران (موزه ها ، گالری‌ها ، کلکسیونهای خصوصی) و مشخصات آنها .
- نشریات خاورشناسی و ایران‌شناسی .
- فهرست کتابهایی که تاکنون به هرزبان ودر هر کشور درباره ایران به چاپ رسیده .
- فهرست ترجمه های آثار ایرانی به زبانهای مختلف ، فهرست کتابها و روزنامه‌های فارسی که در خارج از ایران چاپ شده است .

باضافه

- تاریخچه روابط فرهنگی ایران با هر یک از کشورهای جهان و تاریخچه مطالعات ایران‌شناسی آنها .

و

- شرح حال دانشمندان ایران‌شناس کنونی جهان ، با معرفی آثار آنها درباره ایران .



جهان‌پژوهی

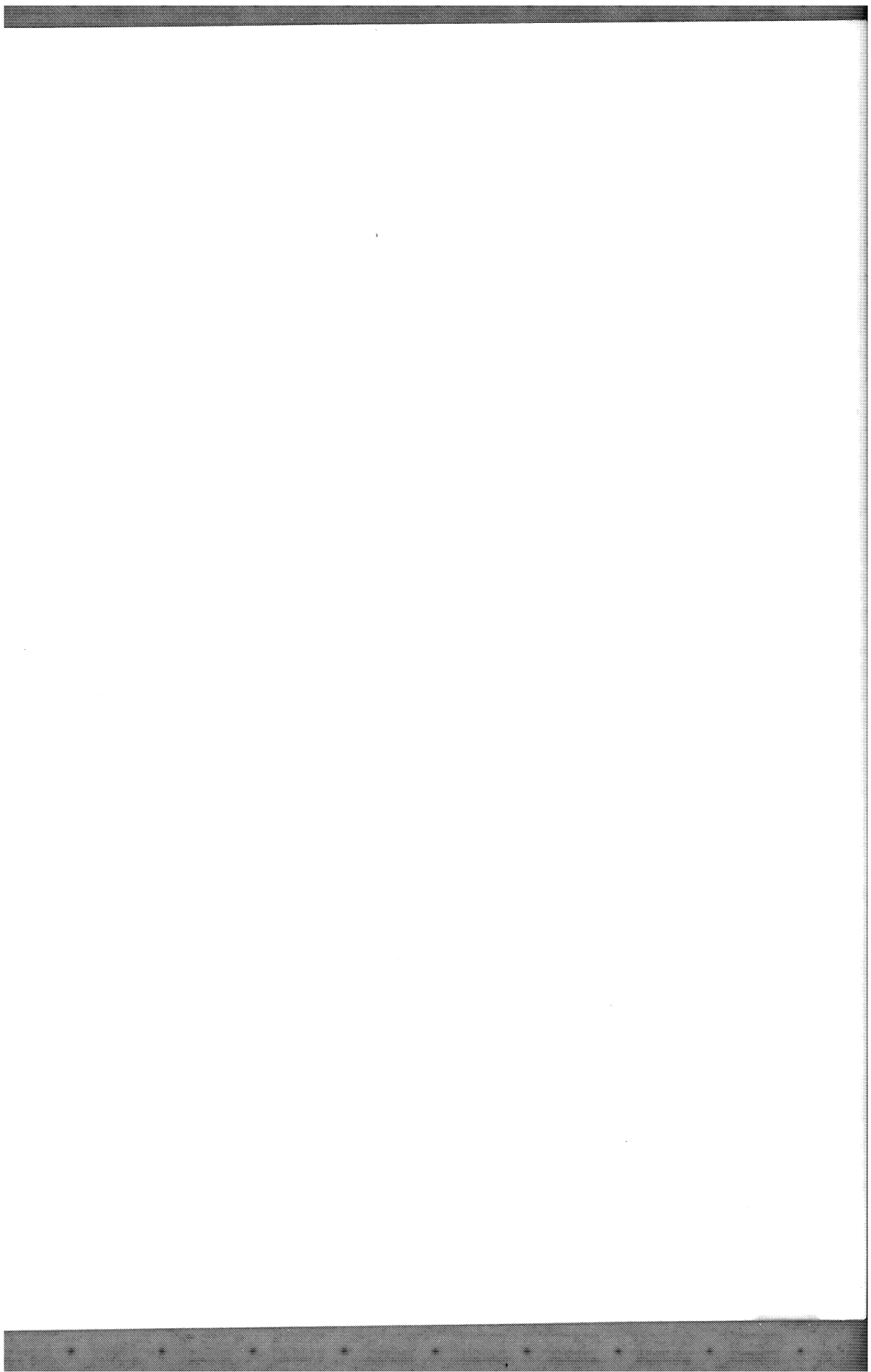
جلد اول

مقدمه

آرژانتین - آلبانی - آلمان -

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

(روسیه - اوکراین - آذربایجان - ارمنستان - ازبکستان - استی -
تاتارستان - تاجیکستان - ترکمنستان - داغستان - قزاقستان - گرجستان)



فهرست مطالب

آرژانتین

صفحه

۵۱ تاریخچه روابط فرهنگی ایران و آرژانتین

مراکز مطالعات ایران شناسی

۵۴ مرکز مطالعات شرقی دانشگاه سالوادور

۵۵ دانشگاه آرژانتینی مطالعات عالییه شرقی

۵۶ انجمن آسیائی آرژانتین

مراکز تدریسی فارسی

۵۸ دانشگاه سالوادور

۵۹ دانشگاه مطالعات عالییه شرقی

مراکز آثار هنری ایران

۶۱ موزه ملی هنر شرقی

۶۱ موزه ارازوریز پالائیس

نشریات خاور شناسی

۶۳ کارنامه آسیائی

فهرست کتابهای مربوط به ایران و ترجمه‌های آثار ایرانی

۶۷ تا ۷۰ که در آرژانتین بچاپ رسیده است

آلبانی

۷۳ تاریخچه روابط فرهنگی ایران و آلبانی

۷۴ دانشگاه و کتابخانه ملی تیرانا

آلمان

صفحه

تاریخچه روابط فرهنگی ایران و آلمان ،
و تاریخچه ایران‌شناسی در آلمان

۷۷

جمهوری فدرال آلمان

مراکز مطالعات ایران‌شناسی

- | | |
|------|--|
| ۱۲۷ | فرهنگستان علوم و ادبیات ماینتس |
| ۱۳۰ | فرهنگستان علوم باویر |
| ۱۳۱ | فرهنگستان علوم گوتینگن
دانشگاه آزاد برلین : |
| ۱۳۳ | سمینار زبان‌شناسی ایرانی |
| ۱۳۵ | سمینار زبانهای هندوژرمنی |
| ۱۳۵ | انستیتوی مطالعات باستانی آسیای مقدم |
| ۱۳۶ | انستیتوی فرهنگ باستانی |
| ۱۳۷ | انستیتوی شرق |
| ۱۳۸ | شعبه مطالعات اسلامی انستیتوی علوم مذهبی |
| صفحه | |
| | دانشگاه بن |
| ۱۳۸ | سمینار خاورشناسی |
| ۱۳۹ | سمینار زبانهای شرقی |

دانشگاه ارلانگن :

- ۱۴۰ سمینار واژه‌شناسی زبانهای شرقی و سمینار
مطالعات تطبیقی زبانهای هندوژرمنی

دانشگاه فرانکفورت :

- ۱۴۴ سمینار خاورشناسی
۱۴۵ سمینار زبانهای هندوژرمنی

دانشگاه فرایبورگ :

- ۱۴۶ سمینار خاورشناسی

دانشگاه گوتینگن

- ۱۴۸ سمینار ایران شناسی
۱۴۰ سمینار خطوط میخی

دانشگاه هامبورگ :

- ۱۵۰ سمینار تاریخ و فرهنگ شرق مقدم

دانشگاه هایدلبرگ :

- ۱۵۵ سمینار خاورشناسی

دانشگاه کیل

- ۱۵۵ سمینار خاورشناسی
۱۵۶ سمینار زبان‌شناسی عمومی و زبان‌شناسی هندوژرمنی
۱۵۷ انستیتوی باستان‌شناسی
۱۵۸ سمینار تاریخ

دانشگاه کلن :

- ۱۵۸ سمینار خاورشناسی
۱۵۹ انستیتوی تاریخ هنر
۱۵۹ انستیتوی تتبعات باستانی

دانشگاه ماینس :

- ۱۶۰ سمینار فرهنگ شرقی
 ۱۶۱ سمینار علم زبان‌شناسی هندوژرمنی

دانشگاه ماربورگ :

- ۱۶۲ سمینار خاورشناسی

دانشگاه مونیخ :

- ۱۶۲ سمینار هندشناسی و ایران‌شناسی
 انستیتوی تاریخ فرهنگ خاور نزدیک و مطالعات
 ۱۶۴ ترک‌شناسی
 سمینار مطالعات سامی و مطالعات فرهنگ باستانی
 ۱۶۵ شرق مقدم و مطالعات اسلامی

دانشگاه مونستر :

- ۱۶۵ سمینار شرق باستانی
 ۱۶۶ سمینار مطالعات اسلامی و عربی

دانشگاه سارلندس :

- ۱۶۷ انستیتوی خاورشناسی
 انستیتوی تطبیق علمی زبان‌شناسی هندوژرمنی
 ۱۶۸ و هندشناسی و ایران‌شناسی

دانشگاه توینگن :

- ۱۶۸ سمینار خاورشناسی
 ۱۶۹ سمینار تاریخ
 ۱۷۰ انستیتوی جغرافیائی

دانشگاه وورتسبورگ :

- ۱۷۱ سمینار خاورشناسی

انجمنها و مراکز فرهنگی مستقل :

۱۷۳	انستیتوی باستان‌شناسی آلمان (برلین)
۱۷۵	انجمن جغرافیائی برلین
۱۷۶	انجمن آلمان و شرق (برلین)
۱۷۶	انستیتوی بین‌المللی موسیقی‌شناسی تطبیقی (برلین)
۱۷۷	انجمن بین‌المللی مطالعات خاورشناسی (بن)
۱۷۸	انستیتوی شرقی فرانکفورت
۱۷۹	بنیاد آلمان و شرق (هامبورگ)
۱۸۱	انجمن آلمانی موسیقی شرق (هامبورگ)
۱۸۲	انجمن فرهنگی آلمان و ایران (کلن)
۱۸۳	انجمن خاورشناسی آلمان (ماربورگ)
۱۸۵	انستیتوی آلمانی روابط فرهنگی خارجی (اشتوتگارت) کانون ایران‌شناسان آلمانی زبان (وورتسبورگ و اشتوتگارت)
۱۸۶	اشتوتگارت
۱۸۸	مجمع خاورشناسی آلمان

مراکز تدریس فارسی و زبانهای ایرانی و مطالعات ایران‌شناسی

۱۸۹	دانشگاه آزاد برلین
۱۹۱	دانشگاه بن
۱۹۲	دانشگاه ارلانگن نورنبرگ
۱۹۴	دانشگاه فرایبورگ
۱۹۵	دانشگاه فرانکفورت
۱۹۷	دانشگاه گوتینگن
۱۹۹	دانشگاه هامبورگ
۲۰۱	دانشگاه هایدلبرگ
۲۰۲	دانشگاه کیل
۲۰۳	دانشگاه کلن
۲۰۴	دانشگاه ماینس
۲۰۶	دانشگاه ماربورگ
۲۰۷	دانشگاه مونیخ
۲۰۹	دانشگاه مونستر
۲۱۰	دانشگاه سارلندس
۲۱۱	دانشگاه توبینگن
۲۱۲	دانشگاه وورتسبورگ
۲۱۴	مراکز غیر دانشگاهی تدریس فارسی

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

صفحه

۲۱۵	کتابخانه برلین
۲۱۵	کتابخانه دانشگاهی ارلانگن
۲۱۷	کتابخانه ملی و دانشگاهی فرانکفورت
۲۱۷	کتابخانه دانشگاه فرایبورگ
۲۱۸	کتابخانه دولتی و دانشگاهی ساکس سفلی (گوتینگن)
۲۱۸	کتابخانه ملی و دانشگاهی هامبورگ
۲۱۹	کتابخانه ایالتی هانور
۲۲۰	کتابخانه دانشگاه هایدلبرگ
۲۲۰	کتابخانه ایالتی باویر (کارلسروهه)
۲۲۱	کتابخانه عمومی ماربورگ
۲۲۲	کتابخانه ملی مونیخ
۲۲۵	کتابخانه ایالتی وورتمبرگ (اشتوتگارت)
۲۲۵	کتابخانه دانشگاه توبینگن
۲۲۸	کتابخانه دانشگاه وورتمبرگ

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

۲۲۹	موزه‌های دولتی موقوفه اموال فرهنگی پروس (برلین)
۲۳۲	موزه صنایع دستی (برلین)
۲۳۳	موزه ماوراء بحار (برمن)
۲۳۴	موزه هنر (دوسلدرف)
۲۳۴	موزه گوته (دوسلدرف)
۲۳۵	موزه فولکوانگ (اسن)
۲۳۵	موزه انستیتوی آسیا (فرانکناو هسن)
۲۳۶	موزه مردم‌شناسی (فرانکفورت)
۲۳۶	موزه هنرهای دستی (فرانکفورت)
	موزه آثار دوران ماقبل تاریخی و
۲۳۷	آغاز تاریخ (فرانکفورت)
۲۳۷	موزه هنر و پیشه (هامبورگ)
۲۳۹	موزه کستتر (هانور)
۲۴۰	موزه مردم‌شناسی (هایدلبرگ)
۲۴۰	موزه کورپفلتسی (هایدلبرگ)
۲۴۱	موزه ایالتی بادن (کارلسروهه)
۲۴۲	موزه جلاکاری هریبگ هارهاوس (کلن)

صفحه

۲۴۲	موزه هنر وپیشه (کان)
۲۴۳	موزه مردم‌شناسی راوتن اشتراخیوست (کلن)
۲۴۳	موزه مطرانی (کلن)
۲۴۴	موزه رایس (مانهایم)
۲۴۴	مجموعه مربوط به مطالعات مذهبی دانشگاه ماربورگ
۲۴۵	موزه دولتی مردم‌شناسی (مونیخ)
۲۴۶	موزه رزیدنس (مونیخ)
۲۴۷	موزه ارتشی باویر (مونیخ)
۲۴۷	موزه ملی باویر (مونیخ)
۲۴۸	مجموعه دولتی آثار باستانی (مونیخ)
۲۴۸	مجموعه عروسکی مونیخ
	موزه هنرهای دستی انجمن هنرهای محلی باویر (نورنبرگ)
۲۴۸	موزه ملی آلمانی (نورنبرگ)
۲۴۹	موزه چرم و موزه کفش آلمان (افنباخ)
۲۵۰	موزه شهر اسنابروک
۲۵۰	موزه بلدی شلسویگ هولشتاین (اشاسویگ)
۲۵۱	موزه آلمانی شمشیر (سولینگن)
۲۵۲	موزه ورق بازی آلتنبورگ اشترالزوند
۲۵۲	(اشتوتگارت لاین فلدن)
۲۵۳	موزه بلدی (ویسبادن)
۲۵۴	موزه دانشگاهی مارتین فن واگنر (وورتسبورگ)
۲۵۴	کلکسیونهای خصوصی

نشریات خاورشناسی

۲۵۶	مجله آشورشناسی و باستان‌شناسی آسیای مقدم (برلین)
۲۵۷	تتبعات هند و ژرمنی (برلین)
۲۵۷	گزارشهای انجمن آلمان و شرق (برلین)
۲۵۷	سالنامه انستیتوی باستان‌شناسی آلمان (برلین)
	سالنامه موسیقی آسیائی و افریقائی و امریکای لاتین (برلین)
۲۵۸	شرق (بن)
۲۵۸	کتابشناسی آسیا (هسن)
۲۵۹	کمک به شناسائی زبان و تاریخ فرهنگ شرق (هسن)
۲۵۹	دنیاى شرق (گوتینگن)
۲۶۰	

صفحه

۲۶۰	شرق «آلمانیا» (هامبورگ)
۲۶۱	اسلام (هامبورگ)
۲۶۱	دنیای اسلام (مونستر)
۲۶۲	گزارشهای انستیتوی روابط فرهنگی خارجی (اشتوتگارت)
۲۶۳	مجله انجمن آلمانی خاورشناسی (ویسبادن)
۲۶۴	تتبعات آسیائی (ویسبادن)
۲۶۴	هنر شرق (ویسبادن)
۲۶۴	ادبیات شرقی (ویسبادن)
۲۶۵	شرق مسیحی (ویسبادن)
۲۶۵	کراتیلوس (ویسبادن)
۲۶۶	نشریات فارسی

جمهوری آلمان شرقی

مراکز مطالعات ایران‌شناسی

۲۷۱	فرهنگستان علوم آلمان (برلین)
۲۷۳	انستیتوی مطالعات خاورشناسی
۲۷۴	فرهنگستان علوم ساکس (لایپتسیگ)
۲۷۵	انستیتوی آسیای مقدم دانشگاه برلین
۲۷۶	انستیتوی مطالعات سامی دانشگاه لایپتسیگ

مراکز تدریس فارسی و زبانهای ایرانی

۲۷۷	دانشگاه برلین
۲۷۸	دانشگاه هاله ویتن برگ
۲۷۸	دانشگاه لایپتسیگ

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

۲۸۱	کتابخانه دولتی آلمان (برلین)
۲۸۳	کتابخانه دانشگاهی و محلی زاخسن آنهالت (دساو)
۲۸۳	کتابخانه ایالتی ساکس (درسدن)
۲۸۴	کتابخانه ایالتی گوتا

فهرست مطالب

صفحه

- ۲۸۵ کتابخانه انجمن خاورشناسی آلمان (هاله)
۲۸۶ کتابخانه دانشگاه ینا
۲۸۶ کتابخانه دانشگاه لایپتسیگ
۲۸۷ موزه هنرهای دستی لایپتسیگ
۲۸۷ موزه والترشولتس (لایپتسیگ)

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

- ۲۸۹ موزه دولتی برلین
۲۹۱ موزه آثار ماقبل تاریخی و دوره آغاز تاریخ (برلین)
۲۹۲ موزه مردم شناسی لایپتسیگ

نشریات خاور شناسی

- گزارشهای انستیتوی مطالعات خاورشناسی
۲۹۳ آکادمی علوم آلمان (برلین)
نشریات انستیتوی مطالعات خاورشناسی
۲۹۳ آکادمی علوم آلمان (برلین)
۲۹۲ مجله ادبیات شرقی (لایپتسیگ)

فهرستی از کتابهای چاپی مربوط به ایران ، ترجمه های آثار ایرانی

و متون فارسی که تاکنون در آلمان به چاپ رسیده است

۲۹۵ تا ۵۳۰

اتریش

صفحه

- ۵۳۵ تاریخچه روابط فرهنگی ایران و اتریش و مطالعات
ایران شناسی در اتریش

مراکز مطالعات ایران شناسی

- ۵۴۹ فرهنگستان علوم اتریش
۵۵۲ انستیتوی خاورشناسی دانشگاه وین
انستیتوی مطالعات زبان شناسی عمومی و زبان شناسی
۵۵۳ هندوژرمنی دانشگاه وین
۵۵۳ انستیتوی واژه شناسی هند و ایرانی دانشگاه گراتس
۵۵۴ انستیتوی خاورشناسی دانشگاه اینسبروک
۵۵۵ انستیتوی افریقائی و آسیائی وین
۵۵۵ سازمان فرهنگی هامرپورگستال
۵۵۶ مرکز مطالعات تطبیقی تمدنها

مراکز تدریسی فارسی و زبانهای ایرانی

- ۵۵۸ دانشگاه وین
۵۵۹ آکادمی شرقی سازمان فرهنگی هامرپورگستال

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

- ۵۶۰ کتابخانه ملی اتریش (وین)
۵۶۳ کتابخانه دانشگاه وین

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

- ۵۶۵ موزه هنرهای دستی اتریش (وین)
۵۶۷ موزه تاریخ هنر (وین)

صفحه

۵۶۷	کاخ شون برون (وین)
۵۶۸	موزه ایالتی تیروول (اینسبروک)
۵۶۸	کلیسای پوئرگک (اشتیرمارک)
۵۶۸	کلکسیونهای خصوصی

نشریات خاورشناسی

۵۷۰	مجله خاورشناسی وین
۵۷۱	آرشیو تتبعات شرقی (گراتس)
۵۷۱	بوستان (وین)
۵۷۲	مواجهه (وین)
۵۷۲	صدای ایران

فهرستی از کتب مربوط به ایران ، ترجمه‌های آثار ایرانی و

متون فارسی که تاکنون در آتریش به چاپ رسیده است ۵۷۵ تا ۵۹۹

اتحاد جماهیر شوروی

تاریخچه روابط فرهنگی ایران با سرزمینهای مختلف اتحاد شوروی

صفحه

۶۰۵	روسیه
۶۳۶	آسیای میانه (ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، تاتارستان)
	قفقاز :
۷۱۰	آذربایجان
۷۲۷	ارمنستان
۷۵۰	گرجستان
۷۶۲	داغستان
۷۶۵	اوستی (ایرستان)

تاریخچه ایران شناسی در امپراتوری روسیه

ودر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

۷۷۳	جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه
-----	---------------------------------------

صفحه

۸۳۷	اوکراین
	جمهوریهای آسیای میانه
۸۴۳	(ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، تاتارستان)
	جمهوریهای قفقاز
۸۴۸	(آذربایجان، ارمنستان، گرجستان)

مراکز مطالعات ایران‌شناسی

فرهنگستان علوم اتحاد شوروی ۸۵۷

۸۶۰	انستیتوی خاورشناسی (ملل آسیا) در مسکو و لنینگراد
۸۶۴	انستیتوی زبان شناسی (مسکو و لنینگراد)
۸۶۷	انستیتوی ادبیات جهانی ا. م. گورکی (مسکو)
۸۷۰	انستیتوی تاریخ (مسکو)
۸۷۰	انستیتوی جغرافیا (مسکو)
۸۷۱	انستیتوی تاریخ هنر (مسکو)
۸۷۲	انستیتوی تاریخ فرهنگ مادی (مسکو و لنینگراد)
	انستیتوی مردم‌شناسی «ز. ن. میکلوخوماکلاوی»
۸۷۵	(مسکو و لنینگراد)
۸۷۶	انستیتوی فلسفه (مسکو)
۸۷۷	انجمن جغرافیائی سراسری اتحاد شوروی (مسکو)
۸۷۹	سایر مراکز وابسته به فرهنگستان علوم اتحاد شوروی

آکادمی هنرهای اتحاد شوروی ۸۸۰

مراکز دانشگاهی ایران شناسی

۸۸۲	دانشکده خاورشناسی دانشگاه دولتی لنینگراد
۸۸۶	انستیتوی زبانهای شرقی دانشگاه دولتی مسکو

مراکز روابط فرهنگی

انجمن روابط فرهنگی اتحاد شوروی و ایران

مراکز تدریسی زبان فارسی و زبانهای ایرانی

صفحه

- ۱۹۳ دانشگاه لنینگراد «ا.ا. ژدانف»
 ۱۹۶ دانشگاه مسکو «م.م. لامانوسوف»
 ۱۹۸ انستیتوی مرکزی پداگوژی زبانهای خارجی
 ۱۹۹ آکادمی علوم سیاسی و انستیتوی دولتی روابط بین المللی

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

- کتابخانه انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم اتحاد
 ۹۰۰ شوروی، در لنینگراد
 کتابخانه دولتی عمومی «م.ی. سالتیکوف شچدرین»
 (لنینگراد)
 ۹۱۹ کتابخانه دانشگاه دولتی لنینگراد «ا.م. گورکی»
 ۹۲۴ کتابخانه موزه ارمنیاز (لنینگراد)
 ۹۲۸ کتابخانه دولتی لنین (مسکو)
 ۹۲۹ کتابخانه دولتی ادبیات خارجی اتحاد شوروی (مسکو)
 ۹۳۱ کتابخانه عمومی دولتی تاریخی جمهوری فدراتیو
 روسیه (مسکو)
 ۹۳۲ کتابخانه اساسی علوم اجتماعی آکادمی علوم اتحاد
 شوروی (مسکو)
 ۹۳۴ کتابخانه انسیتوی خاورشناسی (مسکو)
 ۹۳۴ کتابخانه موزه دولتی هنرهای خاورزمین (مسکو)
 ۹۳۶

آرشیوها

- آرشیو مرکزی دولتی تاریخ (لنینگراد)
 ۹۳۷
 ۹۳۸ آرشیو مرکزی دولتی نظامی اتحاد شوروی (مسکو)
 ۹۳۸ آرشیو مرکزی دولتی انقلاب اکتبر (مسکو)
 ۹۳۹ آرشیو آکادمی علوم اتحاد شوروی (مسکو)
 ۹۳۹ بایگانی مرکزی دولتی اسناد رسمی قدیمی (مسکو)

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

صفحه

- ۹۴۱ موزه دولتی ارمیتاژ (لنینگراد)
 ۹۴۸ موزه مردم‌شناسی و نژادشناسی پتر کبیر (لنینگراد)
 ۹۵۰ موزه مرکزی دولتی تئاتر عروسکی اوپرا از تسف (لنینگراد)
 ۹۵۰ نمایشگاه دائمی آلات موسیقی (لنینگراد)
 ۹۵۱ موزه هنرهای زیبای پوشکین (مسکو)
 ۹۵۳ موزه دولتی هنرهای خاور زمین (مسکو)
 ۹۵۷ تالار اسلحه‌خانه کاخ کرملین (مسکو)
 ۹۵۹ موزه دولتی تاریخ (مسکو)
 ۹۶۱ موزه منطقه‌ای هنر ریازان
 ۹۶۱ موزه دولتی هنرهای لتونی (ریگا، جمهوری لتونی)

نشریات مربوط به خاورشناسی

- ۹۶۲ ملل آسیا و آفریقا (مسکو)
 ۹۶۳ آسیا و آفریقای کنونی (مسکو)
 ۹۶۴ اطلاعات مختصر انستیتوی ملل آسیا (مسکو)
 ۹۶۴ یادداشتهای علمی انستیتوی ملل آسیا (مسکو و لنینگراد)
 ۹۶۵ پیک تاریخ باستانی (مسکو و لنینگراد)
 ۹۶۵ تاریخ جدید و جدیدترین تاریخ (مسکو)
 ۹۶۵ مسائل تاریخی (مسکو)
 ۹۶۶ مسائل زبان شناسی (مسکو)
 ۹۶۶ مردم شناسی شوروی (مسکو)
 ۹۶۶ خلاصه تاریخ خاورشناسی روس (مسکو)
 سایر نشریات مربوط به خاورشناسی
 ۹۶۷ (۳۱ نشریه، چاپ مسکو و لنینگراد)

اوکراین

مراکز مطالعات ایران شناسی

- ۹۶۱ فرهنگستان علوم اوکراین
 ۹۶۲ انستیتوی زبان شناسی « آ. آ. پوتبین »
 ۹۶۴ انستیتوی تاریخ
 ۹۶۴ انستیتوی باستان شناسی

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

صفحه

۹۶۶ کتابخانه عمومی دولتی اوکراین (کیف)

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

۹۶۸ موزه دولتی هنرهای غربی و شرقی در کیف
۹۶۸ موزه دولتی هنرهای غربی و شرقی در اودسا
۹۶۹ موزه دولتی آلویکا (کریمه)
۹۷۰ کاخ و موزه باغچه سرای (کریمه)
۹۷۱ موزه دولتی تاریخ و باستان شناسی کرج (کریمه)

آذربایجان

مراکز مطالعات ایران شناسی

۹۷۵ فرهنگستان علوم آذربایجان
۹۷۶ انستیتوی ملل خاور نزدیک و خاورمیانه
۹۷۹ دانشکده خاورشناسی دانشگاه دولتی آذربایجان
۹۷۹ انجمن روابط فرهنگی آذربایجان شوروی و ایران

مراکز تدریسی زبان فارسی و زبانهای ایرانی

۹۸۱ دانشکده دولتی آذربایجان «س. م. کیروف»
۹۸۲ دبیرستانها

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

۹۸۴ مخزن کتب خطی آکادمی علوم آذربایجان (باکو)
۹۸۶ کتابخانه میرزا فتحعلی آخوندوف (باکو)

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

صفحه

- ۹۸۷ موزه ادبیات آذربایجان (موزه نظامی گنجوی) در باکو
۹۸۸ موزه دولتی تاریخ آذربایجان (باکو)
۹۸۹ موزه دولتی هنر آذربایجان «مصطفی اف» (باکو)

۹۹۰

نشریات خاورشناسی

ارمنستان

مراکز مطالعات ایران شناسی

- ۹۹۵ فرهنگستان علوم ارمنستان
۹۹۶ دائره خاورشناسی آکادمی علوم
۱۰۰۲ دانشکده خاورشناسی دانشگاه ایروان
۱۰۰۶ مخزن دولتی متن داران
۱۰۰۷ انجمن روابط فرهنگی ارمنستان و ایران

مراکز تدریس زبان فارسی و زبانهای ایرانی

- ۱۰۰۸ دانشگاه دولتی ایروان

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

- ۱۰۱۰ «متن داران»، مخزن دولتی نسخه‌های خطی قدیمی
وابسته به شورای وزیران جمهوری ارمنستان (ایروان)

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

- ۱۰۱۹ نگارخانه دولتی ارمنستان (ایروان)
۱۰۱۹ موزه دولتی تاریخ ارمنستان (ایروان)
۱۰۲۰ موزه ادبیات و هنر ارمنستان «ا. چارنتس» (ایروان)

۱۰۲۱

نشریات خاورشناسی

ازبکستان

مراکز مطالعات ایران‌شناسی

صفحه

۱۰۲۵	فرهنگستان علوم ازبکستان
۱۰۲۷	انستیتوی خاورشناسی ابوریحان بیرونی
۱۰۳۰	انستیتوی تاریخ و باستان‌شناسی
۱۰۳۰	انستیتوی هنر
۱۰۳۱	انستیتوی پزشکی

مراکز تدریس زبان فارسی

۱۰۳۳	دانشگاه دولتی «و. ای. لنین» (تاشکند)
۱۰۳۴	دانشگاه دولتی علیشیرنوائی (سمرقند)
۱۰۳۵	سایر مراکز تدریس فارسی

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

۱۰۳۶	مخزن ذخائر نسخه‌های خطی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم ازبکستان (تاشکند)
۱۰۴۹	کتابخانه اساسی دانشگاه دولتی لنین (تاشکند)
۱۰۴۹	کتابخانه «علیشیرنوائی» (تاشکند)
۱۰۴۹	کتابخانه عمومی «ابن‌سینا» (بخارا)
۱۰۴۹	کتابخانه اساسی دانشگاه سمرقند
۱۰۴۹	کتابخانه خصوصی نبی‌خان ولی‌خوجایف (تاشکند)

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

صفحه

- ۱۰۵۱ موزه هنری دولتی ازبکستان (تاشکند)
۱۰۵۲ موزه دولتی تاریخ ازبکستان (تاشکند)
۱۰۵۳ موزه تاریخ مدنیت و صنعت (تاشکند)
۱۰۵۴ موزه دولتی ادبیات علیشیرنوائی (تاشکند)
۱۰۵۴ موزه تاریخ و منطقه شناسی بخارا
۱۰۵۵ موزه صدرالدین عینی (سمرقند)

۱۰۵۶

نشریات خاورشناسی

تاتارستان

مراکز مطالعات ایران شناسی

- ۱۰۶۱ دانشگاه دولتی «و. ای. لنین» (قازان)
۱۰۶۲ انستیتوی زبان و ادبیات و تاریخ (قازان)

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

- ۱۰۶۳ کتابخانه دانشگاه دولتی قازان

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

- ۱۰۶۵ موزه دولتی تاتارستان (قازان)

تاجیکستان

مراکز مطالعات ایران شناسی

صفحه

- ۱۰۶۹ فرهنگستان علوم تاجیکستان
۱۰۷۰ بخش خاورشناسی آکادمی علوم تاجیک
۱۰۷۳ انستیتوی زبان و ادبیات «رودکی»
انستیتوی تاریخ و باستان شناسی و
۱۰۷۴ مردم شناسی «احمد دانش»

مراکز تدریس زبان فارسی

- ۱۰۷۶ دانشگاه دولتی تاجیکستان
دانشسراهای دوشنبه ، لنین آباد (خجند) ،
۱۰۷۷ کولاب (ختلان)
۱۰۷۸ دبیرستانها

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

- مخزن نسخ خطی شرقی دایره خاورشناسی آکادمی
۱۰۷۹ تاجیکستان (دوشنبه)
۱۰۸۱ کتابخانه دولتی فردوسی (دوشنبه)
۱۰۸۲ کتابخانه مرکزی فرهنگستان علوم تاجیکستان (دوشنبه)
۱۰۸۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه دولتی تاجیک (دوشنبه)
۱۰۸۲ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه دولتی تاجیک (دوشنبه)
۱۰۸۲ کتابخانه سعید نفیسی (دوشنبه)
۱۰۸۲ کتابخانه دانشکده طب ابن سینا (دوشنبه)

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

- ۱۰۸۵ موزه کمال الدین بهزاد (دوشنبه)
۱۰۸۴ موزه رودکی (پنج کند)
۱۰۸۴

نشریات مربوط به خاورشناسی

۱۰۸۵

ترکمنستان

مراکز مطالعات ایران‌شناسی

صفحه

- فرهنگستان علوم ترکمنستان
۱۰۸۹
انستیتوی زبان‌شناسی و ادبیات مخدوم قالی
۱۰۹۰
انستیتوی تاریخ س. باتیروف
۱۰۹۰
هیئت مختلط علمی باستان‌شناسی ترکمنستان جنوبی
۱۰۹۱

مراکز تدریسی زبان فارسی

- دانشگاه دولتی ترکمنستان « ا. م. گورکی »
۱۰۹۰

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

- کتابخانه عمومی دولتی ترکمنی
« کارل مارکس » (عشق‌آباد)
۱۰۹۵
مخزن نسخه‌های قدیمی انستیتوی زبان و ادبیات
مخدوم قالی (عشق‌آباد)
۱۰۹۵

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

- دوزه دولتی هنرهای زیبای ترکمنستان (عشق‌آباد)
۱۰۹۷

- نشریات مربوط به خاورشناسی
۱۰۹۸

دغستان

صفحه

۱۱۰۱

مراکز مطالعات ایران‌شناسی و تدریس فارسی

کازخستان

۱۱۰۵

مراکز مطالعات ایران‌شناسی

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

۱۱۰۶

کتابخانه دولتی «پوشکین» (آلماتا)

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

۱۱۰۷

موزه مرکزی دولتی کازاخستان (آلماتا)

گرجستان

مراکز مطالعات ایران‌شناسی

۱۱۱۱

فرهنگستان علوم گرجستان

۱۱۱۲

انستیتوی خاورشناسی

۱۱۱۶

انستیتوی تاریخ ادبیات گرجی «روستاولی»

۱۱۱۹

دانشکده خاورشناسی دانشگاه دولتی تفلیس

مراکز تدریس زبان فارسی و زبانهای ایرانی

صفحه

۱۱۲۲

دانشگاه دولتی تفلیس

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

۱۱۲۵

موزه دولتی س. ن. جاناشیا (تفلیس)

۱۱۲۵

بایگانی مرکزی دولتی گرجستان (تفلیس)

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

۱۱۲۸

موزه دولتی هنری گرجستان (تفلیس)

۱۱۳۰

موزه دولتی تاریخ گرجستان (تفلیس)

۱۱۳۱

موزه دولتی ادبیات گرجستان (تفلیس)

۱۱۳۲

نشریات مربوط به خاورشناسی

فهرستی از کتابهای مربوط به ایران ، ترجمه‌های

آثار ایرانی و مئون فارسی که تاکنون در امپراتوری

روسیه و در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

به چاپ رسیده است

(از صفحه ۱۱۳۷ تا صفحه ۱۴۴۵)

۱۱۳۹

۱- روسیه

۱۳۱۴

۲- آذربایجان

۱۳۴۱

۳- ارمنستان

۱۳۵۷

۴- ازبکستان

۱۳۷۹

۵- اوکراین

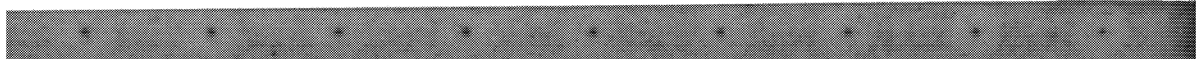
صفحه

۱۳۸۳	۶- تاتارستان
۱۳۸۷	۷- تاجیکستان
۱۴۰۹	۸- ترکمنستان
۱۴۱۳	۹- گرجستان
۱۴۳۳	۱۰- لتونی، استونی، کازاخستان
۱۴۳۹	۱۱- فهرست تکمیلی

آدرس‌های مراکز مختلفی که در

این جلد نام برده شده‌اند ۱۴۵۹ تا ۱۵۰۰

سرافاز



مجموعه «جهان ایران شناسی» که اکنون شروع با انتشار کرده است - و شاید دوره کامل آن بیش از بیست هزار صفحه را شامل شود - با همه قطر و سنگینی خود ادعائی بیش از آن ندارد که زمینه‌ای برای راهنمایی و تسهیل مطالعاتی باشد که حقا میباید در آینده در کلیه رشته‌های مربوط به فرهنگ و تمدن ایران انجام گیرد ، و اگر این مجموعه در نظر اول بیش از حد متعارف قطور بنظر آید ، علت اینست که تمدن و فرهنگ ایرانی نیز از حدی که در تاریخ جهان برای يك ملت انتظار میتوان داشت بزرگتر و دامنه‌دارتر بوده است . علاوه بر این ، فرهنگ ایرانی فرهنگی بوده که همواره جنبه‌ای جهانی داشته است ، یعنی از آغاز پیدایش خود هیچوقت محدود به مرزهای جغرافیائی یا نژادی ایران نمانده ، بلکه برخلاف بسیاری از تمدنها و فرهنگهای بزرگ دیگر - مصر ، بین‌النهرین ، هند ، چین و غیره - ماموریت اصلی خود را این دانسته است که بمقتضای موقعیت ممتاز جغرافیائی ایران ، اجزاء برگزیده فرهنگها و تمدنهای مختلف شرق و غرب را درهم آمیزد و از آنها فرهنگی نه تنها ایرانی ، بلکه بشری بسازد .

سه سال پیش ، شاهنشاه ایران هنگام گشایش نخستین کنگره جهانی ایران شناسان در این باره چنین فرمودند : « ما افتخار میکنیم که تمدن و فرهنگ ما از آغاز تمدن و فرهنگی انسانی و دنیائی بوده است . متفکران ما ، فلاسفه و عرفا و نویسندگان و شعرای ما ، همواره دیدی جهانی و بشری داشته و از جنبه معنویت و بشر دوستی به سراسر جهان نگریسته‌اند . آنچه مایه اصلی ادبیات و حکمت ایران است محبت و پیوستگی است ، و آنچه اساس تاریخ کهنسال ما است نیز همین توجه عمیق به اصول معنویت و اخلاق است .

... ما خوب میدانیم که در تاریخ کهن خویش بیش از آنچه بدیگران داده‌ایم از دیگران گرفته‌ایم ، ولی شاید در بازار جهان این تنها کالائی باشد که دهنده آن نه تنها چیزی از دست نمیدهد ، بلکه چیز زیادتری نیز بدست می‌آورد ... تاریخی که میباید بعنوان تاریخ واقعی ایران تالیف شود ، مسلما قبل از هر چیز تاریخ يك تمدن و فرهنگ انسانی خواهد بود ، نه تاریخی که منحصر به شرح فتوحات و استیلاهای نظامی و سیاسی باشد . اگر من بصراحت این نکته را تذکر میدهم ، برای این است که ما در این مورد هیچ عقده‌ای در خود احساس نمیکنیم . ما نه از آن جهت طرفدار تاریخ تمدن و فرهنگ خود هستیم که سابقه پیروزیها و استیلاهای نظامی نداشته باشیم ، زیرا تاریخ ما آکنده از این نوع پیروزیها است . ولی ما افتخار اصلی خویش را آن پیروزیهایی میدانیم که در طول تاریخ در راه توسعه و تکامل تمدن و فرهنگ بشری بدست آورده‌ایم . پر ارج ترین سپاهیان ما ، طی هزاران سال ، آن مردان و زنانی بوده‌اند که در تمام تاریخ کهنسال ایران مشعل دانش و فرهنگ را در برابر تند بادهای حوادث فروزان نگاه داشتند ، و آنرا

درخشانتر و فروزنده‌تر به نسلهای دیگر سپردند. برای ما پیروزی واقعی در احساس همین حقیقت نهفته است، زیرا هراستیلای جغرافیائی و نظامی خواه ناخواه با دوران بازگشت و انحطاطی همراه است، ولی این ارزشهای معنوی هیچوقت و با هیچ نیروئی از میان نمی‌رود.

آنچه در جهان علم و تحقیق کنونی بشری «علم ایران شناسی» نام گرفته است، برشناسائی هرچه بیشتر همین ارزشهای فرهنگی و مدنی ایران متکی است. هدف از مطالعه دقیق هزاران سند باستانی ایران که بزبانهای مختلف بدست آمده‌است و مبنای، مطالعه در زبانهای متعدد ایرانی، مطالعات فراوان باستان‌شناسی در ایران، مطالعه در تاریخ کهن ایران، مطالعه در مذاهب باستانی ایران و تجلیات مختلف فلسفی و ادبی و هنری آنها، مطالعه در رشته های متنوع هنر چندین هزار ساله ایران، مطالعه در علم و ادب و فلسفه و عرفان و در معماری و هنر دوران اسلامی ایران مطالعه در جنبه های احساسی تاریخ ایران، مطالعات دقیق در هزاران نسخه خطی فارسی در سراسر جهان و چاپ متون بررسی شده و انتقادی آنها، همه این است که این تمدن و فرهنگ عظیم و انسانی هرچه روشن‌تر و کامل‌تر در معرض شناسائی بشر امروز قرار بگیرد.

از سال ۱۹۷۰ تا کنون دویزداد دانشگاه عالیستاد استادی درست در دو قرن پیش نخستین مرتبه کامل اوسنا را در اروپا انتشار داد. تاکنون مطالعات علمی مربوط به آثار خردنگ و سندن ایران بدون وقفه در دبائی غرب و بعداً در بسیاری از کشورهای دیگر ادامه یافته است. در طول دو قرن اخیر، در حدود یکهزار تن از دانشمندان خاورشناس، در سطح های مختلف از اهمیت و صلاحیت علمی، کاراساسی خود را در رشته خاورشناسی مطالعات ایرانی قرار داده‌اند، و اکنون حاصل این مطالعات بصورت هزاران کتاب و رساله و مقاله به زبانهای مختلف در اختیار ما است که آنرا از نظر ارزش معنوی برای ما با هیچ گنجینه‌ای برابر نمیتوان نهاد. هم‌اکنون، در ادامه سنت پرافتخار ایران شناسی دویست ساله غرب، صدها نفر از دانشمندان سراسر جهان در مراکز مختلف تحقیقی (آکادمی ها، دانشگاه ها، انستیتوها، سمینارها، انجمن‌های خاورشناسی، کتابخانه ها، آرشیوها، موزه‌ها و سایر مراکز علمی و هنری) و یا بصورت خصوصی و شخصی در زمینه های مختلف تاریخ، مذهب، زبان شناسی، هنر، فلسفه، علم و ادب، باستان شناسی ایران مشغول کارند که حاصل مطالعات آنها منظمأ بصورت کتابها و رسالات و مقالات و کنفرانسهای علمی در دسترس عموم قرار میگیرد. برای ارائه وسعت این مطالعات، شاید تذکر این نکته کافی باشد که در چند سال اخیر بطور متوسط روزی یک کتاب در خارج از ایران در رشته های مختلف مطالعات مربوط به تمدن و فرهنگ ایران یا ترجمه های آثار ایرانی انتشار یافته است. فهرست های کتابشناسی که در مجموعه حاضر «جهان شناسی» در پایان فصول مربوط به هر کشور آورده شده، نموداری از وسعت تعداد کتابهای منتشره درباره ایران در گذشته و حال، و نوع موضوعات این کتابها است.

شاید در عالم ایران شناسی نیز، مانند همه رشته های دیگر علمی و اجتماعی، بین قرن گذشته و دوران حاضر یک اختلاف کیفیتی وجود داشته باشد، و آن این

است که در قرن گذشته ایران شناسان بزرگتری وجود داشتند و در حال حاضر «ایران-شناسی» وسیعتری وجود دارد. قرن نوزدهم از حیث پدیدآوردن دانشمندان واقعاً برجسته و عالیقدر قرن طلایی ایران شناسی بود، ولی کمیت کار در این رشته و تعداد مراکز مطالعات و مدارک و اسناد مورد استفاده بیای امروز نمیرسید، و طبیعتاً امکانات مادی نیز برای تهیه نمایشگاه‌های بزرگ هنری و تشکیل منظم کنگره‌ها و کنفرانس‌ها و سمینارها با اندازه امروزه فراهم نبود. با این همه پایه‌های اصلی ایران شناسی، بخصوص در مورد شناسائی زبانهای ایرانی و متون مذهبی ایران کهن و اسناد و مدارک باستان شناسی، در قرن نوزدهم گذاشته شد.

به يك تفاوت دیگر نیز که در زمینه مطالعات ایران شناسی بین دوران گذشته و دوره حاضر وجود دارد میباید اشاره شود، و آن این است که در تمام قرون هجدهم و نوزدهم قسمت مهمی از قرن حاضر، خود ایران در این مطالعات تقریباً هیچ سهم و شرکتی نداشت و این کوشش علمی عظیم در راه شناختن فرهنگ کهن ایرانی منحصرأ در خارج از ایران صورت می‌گرفت. ولی در دوران حاضر، بخصوص در چند سال اخیر، جامعه علمی ایران خود نیز در این رشته مطالعات همکاری با سایر مراجع ایران شناسی جهان پرداخته است، و طبیعتاً پیشرفت این کوشش علمی و شرکت روزافزون دانشمندان ایرانی در این مطالعات باعث خواهد شد که — همچنانکه حقاً باید چنین باشد — کانون آینده ایران شناسی جهان خود ایران باشد و مراجع متعدد بین‌المللی بدور این هسته مرکزی گرد آیند.

مجموعه «جهان ایران شناسی» که در آن اصول اطلاعات مورد احتیاج مراکز ایران شناسی مختلف جهان گردآوری شده است مدیه کوچکی از جانب ایران در زمینه این همکاری به مراجع ایران شناسی است.



با توجه باینکه در مقدمه هر يك از فصول مجموعه حاضر، تاریخچه روابط فرهنگی ایران با کشور مورد بحث و تاریخچه مطالعات ایران ساسی در کشورهای که سابقه این نوع مطالعات را دارند بطور مختصر ذکر شده است، در این مقدمه احتیاجی به مطالعه جداگانه در باره سابقه فرهنگی ایران و ارتباط آن با کشورهای مختلف جهان نیست، ولی بيمورد نیست که برای تشریح اینکه فعالیتهای ایران شناسی امروز جهان بطور کلی در چه زمینه‌هایی انجام می‌گیرد، يك نظر کلی به تاریخ ارتباط فرهنگی و مدنی ایران با سایر فرهنگها و مدنیتهای جهانی افکنده شود، زیرا چنین مطالعات مختلف همین رابطه فرهنگی است که از هنگام آغاز ایران ساسی اساس کار مطالعات مربوط به این علم قرار گرفته است.



تجسین نقش جهانی تمدن‌های فلات ایران، بطوریکه از کاوشهای باستان‌شناسی در سرزمینهای دور دست آسیای مرکزی و آسیای شرقی و دوره سند و آنا تولی و غیره برمیآید، ارتباط هر یک فرهنگی مردم این فلات با مردم سرزمینهای نامبرده است. نمایشگاه‌های متعدد «هفت هزار سال هنر در ایران» که در سالهای اخیر در بسیاری از کشورهای اروپائی و امریکائی برپا شد، و مطالعاتی که در افغانستان و پاکستان و آسیای مرکزی و مغولستان و سواحی دریای سیاه انجام گرفته

است و در فصول کتاب حاضر شرح آنها داده شده ، وجود این رابطه وسیع را بخوبی نشان میدهد .

مرحله دوم این پیوند مدنی و فرهنگی ، پیدایش معتقدات زرتشتی در ایران بود ، که نفوذ آنها در جانب شرق در آسیای مرکزی و هندوستان و در جانب غرب تا آسیای صغیر و بین‌النهرین و فلسطین و مصر و یونان گسترش یافت . شاید بارزترین اثر این نفوذ تأثیر عمیق معتقدات زرتشتی در آئین یهود بود ، زیرا از راه این نفوذ بود که این معتقدات بعداً در آئین مسیح و آئین اسلام نیز رسوخ یافت ، و بدون چنین زمینه‌ای ، بطوریکه بسیاری از محققان غربی اظهار نظر کرده‌اند ، مسیحیت بصورت کنونی آن بوجود نمی‌آید .

این نفوذ معنوی که بر پایه طرز فکر فلسفی و اجتماعی خاص ایرانی استوار بود ، و واسطه آن نیز « مغان » ایران بودند . از نخستین تماسهای ایرانیان با یونانیان ساکن آسیای صغیر به یونان زمین راه یافت . ارفلیطوس فیلسوف یونانی مینویسد که مغان در پیرامون معبد الهه یونانی « ارتیمیس » سکونت داشتند ، وهم او میگوید که در لیدیه و کاپادوکیه آتش مقدس در آتشکده ها میسوخت و این کانونهای فروزان نه تنها درخشندگی ظاهری داشت بلکه فروغ دانش و فلسفه مغان نیز در این مراکز بصورت تعالیم ایشان متجلی بود . در اوائل دوره هخامنشی پزشکان یونانی نام‌آوری بدربار ایران آمدند ، و یکی از متفکرین یونانی نامی قبل از سقراط بنام « امپدوکلس » نزد مغان درس آموخت . بکرات گفته شده است که « فیثاغورث » حکیم و فیلسوف معروف یونانی به بابل رفت تا در نزد زرتشت تعلیم بگیرد ، هر چند که بر این گفته مدرک تاریخی در دست نیست ، زیرا اصولاً نمیتوان بیقین گفت که زرتشت در این زمان میزیسته است . در نواحی صور و صیدا مدتی افلاطون با مغان دانشمند ایرانی در تماس بود و خود او نیز عده‌ای از مغان جوان ایرانی را در آکادمی معروف خویش در آتن تعلیم میداد . پس از وی « ادوکس » حکیم علامه وقت در بازگشت از ایران اصول عقاید ایرانی را در « آکادمی » به شاگردان افلاطون آموخت . ارسطو نیز معتقدات ایرانی را دقیقاً فرا گرفته بود و عقیده داشت که مکتب افلاطون که در یونان مکتب « ثنویت » معرفی شده بود از مغان ایران الهام گرفته است . شاید بهمین دلیل بود که آخرین حکمای افلاطونی یونان در سال ۵۲۹ پس از طرد از امپراتوری بیزانس بدربار انوشیروان پناه بردند ، و فلسفه‌ای که از یونان رانده شده بود در ایران وطن جدیدی برای خویش یافت .

در حدود ۶۷ پیش از میلاد ، آئین « مهر » از راه آسیای صغیر به روم و از آنجا بسایر نواحی اروپا و بشمال آفریقا راه یافت . در سال ۶۶ میلادی « نرون » امپراتور روم بدست تیرداد پادشاه ارمنستان که خود قبلاً این آئین را پذیرفته بود بمذهب مهرپرستی گروید . در اوائل قرن دوم میلادی این آئین در شمال بالکان توسعه یافت ، و در اواسط این قرن در پادگانهای رومی مغرب آلمان رسوخ پیدا کرد . در همین قرن « کمدیوس » امپراتور روم این آئین را پذیرفت . در قرن سوم میلادی با پشتیبانی « کاراکالا » امپراتور رم آئین مهرپرستی در این امپراتوری باوج ترقی رسید ، چنانکه فرمان این امپراتور پرستشگاهی برای « میترای شکست‌ناپذیر » در رم ساخته شد . در سال ۳۰۷ میلادی در نزدیک شهر کنونی « وین » (پایتخت اتریش) دیوکلسین

امپراتور معروف روم و شاهزادگان رومی رسماً « میترا » را خدای حامی امپراتوری روم اعلام کردند، و با آنکه پس از اعلام رسمیت آئین مسیح توسط امپراتور کستانتین مبارزه شدیدی در سراسر امپراتوری روم با آئین مهرپرستی آغاز شد، رسوخ سنن و معتقدات این آئین بقدری بود که علمای مسیحی ترجیح دادند بجای کوشش بیفایده در ریشه کن کردن این سنن به خود آنها رنگ مسیحی دهند، و بر همین اساس بود که رسوم تعمید مسیحی و شام نان و شراب متبرک و تقدس روز یکشنبه (روز مهر یا روز خورشید که هنوز هم در زبانهای آلمانی و انگلیسی و اسکاندیناوی همین معنی را میدهد) و اعلام روز بیست و پنجم دسامبر (جشن سالانه تولد مهر) بعنوان روز تولد مسیح و این اعتقاد که ستاره‌ای شبانان شاهزادگان مغ را به زادگاه کودک نورسید هدایت کرد، همه عیناً از رسوم و معتقدات مهرپرستان بدین مسیحی انتقال یافت.

نقش‌های که توسط محققان اروپائی از مناطق نفوذ و انتشار آئین مهر در اروپا و افریقا بر اساس بقایای کنونی پرستشگاه‌ها و مراکز میترائی در این مناطق تهیه شده، کانونهای این آئین ایرانی را در امپراتوری رم بدین صورت معرفی میکند: بندر پیرئوس و جزیره آندروس در یونان، ناحیه مقدونیه و تراکیا و دالماسیا در یوگسلاوی، داسیا (ترانسیلوانی) در رومانی کنونی، اتریش، مجارستان، آلمان غربی، انگلستان و جنوب اسکاتلند، جنوب فرانسه بخصوص شهرهای مونپلیه و ناربن و بیرنه علیا، لنون و آرل و حوزة رود رون، شبه جزیره ایبری (اسپانیا و پرتغال) قسمت شرقی الجزیره کنونی (نومیدیا). در تمام این نواحی در حال حاضر آثار و ویرانه‌های متعددی از مراکز دیرین مهرپرستی موجود است. مرکز این آئین طبعاً شهر رم بخصوص بندر رومی «اوستیا» بود نفوذ معنوی آئین ایرانی «مهر» در سراسر امپراتوری روم بقدری بود که «ارنست رنان» دانشمند و متفکر نامی فرانسه میگوید: «اگر عاملی غیر مترقبه آئین مسیح را از پیشرفت خود باز داشته بود، بیشک عالم بشریت مذهب مهر را آئین رسمی خویش میکرد». موج دیگر فرهنگ ایرانی که بیش از دو موج زرتشتی و میترائی در جهان گسترش یافت، موج «مانوی» بود. پس از آنکه خودمانی اصولاً این آئین را در سرزمینهای هندوستان، بلوچستان، خراسان، آسیای مرکزی، شام، فلسطین و مصر رواج داد، آئین وی بدست پیروان او در سالها و قرون بعد از مرگ او در شرق تا غرب دنیای متمدن آن زمان یعنی از چین تا فرانسه گسترش یافت، و چون این آئین ترکیبی از عناصر مذهبی و فلسفی زرتشتی و هندی و مسیحی بود همه جا زمینه‌ای آماده برای استقرار خود یافت. بگفته «هانری شارل پوئس» استاد دانشگاه پاریس که از متخصصین جهانی آئین مانی است، در مدت دوازده قرن (از قرن سوم تا پانزدهم میلادی) این دین دائماً در حال پیشرفت بود و وطنین آن در تمام نیمکره شمالی از اقیانوس اطلس تا اقیانوس کبیر پیچید.

در قرون اولیه اسلامی آئین مانی از مذاهب بزرگ ماوراءالنهر و خراسان بود، و پیروان این دین را «دین آوریه» مینامیدند. در ۷۳۲ میلادی خاقان چین طبق فرمان رسمی مذهب مانی را از مذاهب رسمی و آزاد امپراتوری خود اعلام کرد، و در سال ۷۶۳ در کشور «اویغور» که تقریباً سراسر منطقه آسیای مرکزی را شامل میشد دین مانی آئین رسمی سلطنتی اعلام گردید.

در جانب غرب ایران آئین مانی در قرون سوم میلادی در بین النهرین و فلسطین

ومصر و افریقای شمالی رواج یافت. در اوائل قرن چهارم به دالماسیا (مغرب بالکان) و یونان و ایتالیا و گل (فرانسه) و ایریا (اسپانیا و پرتغال) راه پیدا کرد، بطوریکه رواج غیرمنتظره این آئین کلیسای کاتولیک را بمبارزه شدید با آن واداشت و در طول چندین قرن محاکمه‌ها و کشتارهای بی‌پای را در سراسر اروپا باعث گردید. حتی در قرن سیزدهم مسیحی یک « جنگ صلیبی » کامل بفرمان پاپ در جنوب فرانسه علیه «نومانویان» کاتار در گرفت که در حدود ۳۵ سال بطول انجامید. آثار مانوی بصورت بقایای ساختمانهای معابد و مراکز مذهبی هنوز در فرانسه و انگلستان و مصر و بالکان و اسپانیا و ایتالیا باقی است، و نفوذ معنوی آن در ادبیات و فلسفه غرب نیز کاملاً محسوس است، چنانکه فی‌المثل اثر معروف ویکتور هوگو «فلسفه قرون» را غالباً یک تحلیل تاریخی بشر بر اساس دیدمانوی نزاع دائمی خیر و شر دانسته‌اند، و «مورس بارز» نویسنده معروف فرانسوی مینویسد که: « هوگو اساساً مانوی بود ».

از آئین مانی شعباتی که امروزه به آنها «نومانوی» یا مانویت جدید نام داده‌اند پدید آمد که از زمره مهم‌ترین آنها آئین پولیسین‌ها و آئین بوگومیل‌ها است. طریقه پولیسین‌ها صرفاً بر اساس دوگانگی خیر و شر تکیه داشت و از این راه منکر آن بود که خدا بصورت مسیح در قالب انسان درآمده باشد. بوگومیلیسم در اوائل قرن دهم میلادی در بلغارستان کنونی پدید آمد و سریباً بتمام بالکان گسترش یافت و حتی از راه قسطنطنیه به بیزانس و از راه اوکراین به روسیه رسید و آئین کاتارهای جنوب فرانسه و شمال ایتالیا نیز که بدان اشاره شد از همین بوگومیلیسم منشعب گردید.

قسمت عمده از تعلیم مانی، امروزه بر اثر کشف جالب چندین هزار سند و اوراق و نسخ خطی مانوی در ناحیه تورفان Turfan مرکز مانویان در آسیای مرکزی و در غارهای Tuen-Huang که بدست هیئت‌های علمی آلمانی و فرانسوی و انگلیسی و روسی در سال ۱۹۰۴ در ترکستان چین صورت گرفت، و همچنین کشف نقاشیهای مانوی در غار Chotscho و کشف مرکز مهم تعلیمات مانویان در فیوم (مصر)، در اختیار محققین قرار گرفته است. اسناد مکتوفه «تورفان» شامل متون متعدد مانوی بزبانهای چینی، اویغوری، ترکی باستانی، سنسکریت و سه زبان ایرانی یعنی پارسی و سغدی و پارسی است. پاپیروس‌هایی که در مصر بدست آمده غالباً ترجمه قبطی نامه‌هایی است که مانی برای اتباع خود در آن سرزمین فرستاده است. کتاب «کفالایا» که امروزه قسمت اعظم آن بزبان قبطی درست است حاوی تعلیمات مانی است که بلافاصله پس از مرگ او بدست پیروانش به زبان قبطی تدوین شده است.

راه نفوذ آئین مانی در جانب شرق و بطور کلی تر و عمومی تر راه گسترش هنر و فرهنگ ایرانی در سمت خاوری، جاده معروف ابریشم بود که مدیترانه را به چین متصل میکرد و همراه خود ارتباطات بازرگانی فکرو ادب و هنر و معتقدات مذهبی ایرانی را نیز پیوسته بیشتر بجنب شرق پیش میبرد. مسیر این شاهراه دنیای قدیم چنانکه بظلمیوس جغرافیادان مشهور اواسط قرن دوم میلادی نقل میکند عبارت بود از: سوریه، فرات، همدان، ری، دامغان، مرو، بلخ، پامیر، کاشغر، یارقند، ختن و توان هوانگ؛ ولی آثار هنری ایران ازین حد نیز دورتر رفت و تا ژاپن رسید. گنجینه ایرانی معبد سلطنتی سوشوئین در ژاپن که یادگار دوازده قرن پیش است

بهترین مدرک این سفر پیروزمندانه است .
در دوران اسلامی ، فرهنگ و ادب و هنر ایران رنگ تازه‌ای بخود گرفت و امکانات بیشتری برای توسعه پیدا کرد در نتیجه طولی نکشید که علم و هنر ایرانی در سراسر قلمرو اسلام از اقصای آسیا تا غرب آفریقا و جنوب غربی اروپا گسترش یافت . بغداد مرکز خلافت اسلامی عملاً بصورت يك كانون نفوذ فرهنگ و مدنیت ایرانی درآمد و حکماء و فقها و عرفای ایرانی درهمه‌جای این امپراتوری وسیع شخصیت بسیار بدست آوردند .

گرایش ایرانیان به مسائل علمی و فرهنگی از همان آغاز عصر اسلامی بقدری بود که حضرت محمد (ص) ، طبق حدیث معروفی که ابن‌خلدون و دیگران نقل کرده‌اند ، فرمود : « اگر علم در گوشه‌ای از آسمان باشد ، بازهم کسانی از مردم ایران بدان دست خواهند یافت » . خود همین ابن‌خلدون در « مقدمه » مشهور خود در این باره مینویسد : « از غرائب اینکه در جامعه اسلامی ، چه در علوم شرعی و چه در علوم عقلی غالب پیشوایان علم ایرانی بودند ، جز در مواردی نادر و قلیل ، و چنانچه بعضی از آنها منسوب به عرب بودند زبانشان فارسی و مخیط تربیت آنها ایرانی بود ، در صورتیکه جامعه و صاحب شریعت عربی هستند » .

از همان آغاز عصر اسلامی ، سنت علمی و فرهنگی دانشگاه بزرگ گندی‌شاپور پایه‌گذار مراکز علمی بغداد شد که سایر دانشگاهها و درالعلم‌های اسلامی براساس آن پدید آمدند . در رشته‌های مختلف ریاضی ، پزشکی ، هیئت ، شیمی ، معماری ، و نیز در الهیات ، فلسفه ، صرق و نحو ، لغت ، تذکره‌نویسی ، تاریخ و جغرافیا ، ادبیات ، موسیقی ، هنرهای زیبا ، بزرگان درجه اولی از ایران برخاستند که تمدن و فرهنگ اسلامی و بالتبع فرهنگ و تمدن مغرب زمین تا حد زیادی مرهون آنها است . فهرستی از اسامی این افراد و آثار آنها در صفحات متن مجموعه جهان‌شناسی نقل شده است و در اینجا تکرار آن ضرورت ندارد .

در قرون اولیه اسلامی بسیاری از آثار مهم ادبیات پیش از اسلام به عربی ترجمه شد که از جمله آنها میباید از اوستا ، زند ، دینکرد ، مینوی‌خرد ، بندهش ، پندنامه زرتشت ، خدای نامک ، آئین نامک ، اندرز اوشزدانا ، اندرز خسروگوازان ، اندرز آذریه مهر سیندان ، کارنامک اردشیر بابکان ، تاج نامک ، نامه تنسر ، گاه نامک ، و هرام چوبین نامک نام برد .

در همان ضمن آثار متعدد دانشمندان و حکمای ایرانی که غالباً به عربی نوشته شده بود ، در اروپا ترجمه شد و انتشار این ترجمه‌ها افق علمی تازه‌ای بروی اروپائیان گشود . مرکز این نهضت ترجمه آثار بزرگ علوم و فلسفه و حکمت اسلامی و ایرانی دوسرزمین اسپانیا و ایتالیا بود که با عالم اسلامی پیوند نزدیکتری داشتند .

این نهضت در اواخر قرن دهم مسیحی ، بدست پاپ سیلوستر دوم بنیاد گذاشته شد ، و در قرون یازدهم و دوازدهم توسعه بسیار یافت ، بطوریکه عده‌ای از دانشمندان مسیحی برای آشنائی نزدیک با این آثار به اندلس که در آن زمان يك كانون درخشان فرهنگ اسلامی بود روی آوردند . در طول سه قرن بیش از سیصد کتاب مهم علمی و فلسفی اسلامی به لاتینی ترجمه شد که لاقلاً يك نك آنها از آثار دانشمندان ایرانی بود . در حدود هشتاد جلد از این کتب بتنهائی توسط یکی از دانشمندان برجسته

ایتالیائی که او را حتماً باید از پیش کسوتان خاورشناسی مغرب زمین شمرد ، بنام گِراردو داکرمونا (که خود بعمورت لاتینی Gerardus Chremonensis امضاء میکرد) بزبان لاتین درآمد . گِراردو اصولاً بمنظور آشنائی مستقیم با آثار ابن سینا که در کتابخانه معروف تولدو (طایطله) نگاهداری میشد بدان شهر رفت و در آنجا زبان عربی را تکمیل کرد و در طول چندسال بترجمه کتابهای متعددی پرداخت که مهمترین آنها ترجمه «القانون فی الطب» ابوعلی سینا بود . این ترجمه پانصد سال کتاب درسی دانشگاه های اروپا بود ، و پس از آنکه در سال ۱۵۲۴ نخستین چاپ آن در رم انتشار یافت ، تنها در طول یک قرن بیش از بیست بار تجدید چاپ شد .

همین مترجم ، کتاب معروف «الجبر والمقابله» خوارزمی را به لاتینی ترجمه کرد که از قرن دوازدهم تا قرن شانزدهم میلادی کتاب اساسی تدریس ریاضی و جبر و مقابله در دانشگاه های اروپا بود و کلمه **algebre** که امروزه نیز در زبانهای اروپائی بکار میرود از نام همین کتاب گرفته شد . از کتابهای دیگری که به لاتینی ترجمه شد «کامل الصناعه» اثر پزشکی علی بن عباس مجوسی پزشک عضدولدوله دیلمی بود که آن نیز بصورت کتاب درسی درآمد و بارها تجدید چاپ شد .

شاید مهم ترین کاری که در مورد ترجمه آثار علمی دانشمندان ایرانی صورت گرفت ، ترجمه «الحاوی» محمدبن زکریای رازی بود که آنرا باید دائرة المعارف علوم پزشکی قرون وسطی نامید . ایسن اثر عظیم بیست جلدی که شاید در دنیای اسلامی از حیث اهمیت بی نظیر باشد ، بفرمان شارل داتزو پادشاه فرانسوی ناپل و سیسیل توسط فرج بن سالم مقلوای (سیسیلی) در بیست و پنج جلد در سالهای ۱۲۷۰ تا ۱۲۷۹ میلادی به لاتینی ترجمه شد ، و این ترجمه که امروز دانشگاه پاریس بداشتن یک دوره از اولین چاپ آن مباحث دارد چندین قرن کتاب درسی دانشگاه های اروپا بود و در ۱۳۹۵ میلادی یکی از نه کتاب طبی بود که در دانشگاه معروف پاریس تدریس میشد . اثر دیگر رازی بنام «منصوری» قبلاً در قرن دوازدهم میلادی توسط گِراردو داکرمونای نامبرده به لاتینی ترجمه شده بود و این ترجمه نیز تا قرن شانزدهم تدریس میشد . ترجمه کتاب دیگر رازی بنام «الجدری والحصبه» از سال ۱۴۹۸ تا سال ۱۸۶۶ تنها در انگلستان چهل بار تجدید چاپ شد .

از جابربن حیان دانشمند شیمی دان ایرانی که فهرست این ندیم از اوبعنوان استاد محمدزکریای رازی نام میبرد و یکصد کتاب در رشته شیمی تألیف کرده بود چندین اثر در قرن دوازدهم میلادی به لاتینی ترجمه شد .

آثار فیلسوف بسیار بزرگ ایران « امام محمد غزالی » تقریباً از همان زمان حیات خود او در اروپا شناخته شد ، زیرا دو کتاب « المنقذ من الضلال » و « تهافت الفلاسفه » او فقط بیست سال پس از مرگ وی بدستور « ریموندوس » اسقف طلیطله در سال ۱۱۳۰ میلادی توسط گروهی از مترجمان برجسته به لاتینی ترجمه شد . همین ترجمه بود که « سن تماس اکیناس » عالم بزرگ الهیات کاتولیک را با افکار غزالی آشنا کرد و از منابع الهام افکار و نظریات فلسفی او در مجموعه الهیات بشمار آمد . این فیلسوف بزرگ کاتولیک ، با آثار ابن سینا نیز از نزدیک آشنائی داشت . درین باره «ویل دورانت» مورخ برجسته معاصر امریکائی در کتاب تاریخ تمدن خود مینویسد : « در آن زمان افکار ابن سینا نفوذ فوق العاده ای در اسپانیا و از راه آن کشور در مغرب

سرآغاز

زمین داشت. این افکار، آثار ابن‌الرشد و موسی بن‌میمون را پدید آورد و از راه این آثار به عالم مسیحیت رخنه کرد و در دانشمندان بزرگ مسیحی اثر بخشید. آلبرتوس کبیر و سن تماس اکیناسی بمیزان شگفت‌آوری مرهون اندیشه‌ها و آراء ابن‌سینا هستند.»

در این زمان هنر ایران نیز از راه فرهنگ اسلامی به اروپا راه یافته بود. نمونه جالبی از این نفوذ هنری را امروز نیز بصورت نقاشیهای ایرانی کاخ معروف کاپلاپالاتینا در پالمو مرکز سیسیل میتوان دید. بسیاری از فقها، دانشمندان، هنروران و سایر افراد برجسته ایرانی در آن دوران در سراسر دنیای اسلامی و حتی در بیرون از مرزهای آن جائر مقامات عالی بودند. آن بطوطه سیاح معروف مراکشی که در قرن هشتم هجری از فاس در مراکش تا کانتون و خانبالغ (پکن) در چین، یعنی از اقیانوس اطلس تا اقیانوس کبیر سفر کرد، در سفرنامه خود تقریباً در هر سرزمین از ایرانیانی که دارای موقعیت ممتاز بوده‌اند نام میبرد، مثلاً در همان زمان که بگفته او یک فقیه ایرانی در مکه معظمه مرجع فتوی بوده، وی در اندونزی با درباسالار بهروز و با وزیر پادشاه بنام تاج‌الدین اصفهانی ملاقات میکند و در سرانددید با پادشاه به فارسی حرف میزند و در یکن از امام جماعت شهر که یک شیرازی بوده نام میبرد و در «کان‌سو» در جنوب چین در ضیافتی که امیر شهر برای وی داده، شعری از سعدی را نقل میکند که خنیاگران چینی حتی بدون درک معنی آن با آواز میخواندند. در صورتیکه در آن هنگام حتی یکصد سال از مرگ سعدی نگذشته بود.

رواج شعر پارسی در منطقه پهناوری از جهان در طول قرون متوالی، از عالیترین تجلیات گسترش فرهنگ ایران است. در طول این قرون، فارسی نخست بصورت زبان ادبی، و بعد زبان درباری سرزمین‌های پهناوری در هند، آسیای مرکزی و امپراتوری عثمانی درآمد. در دوران امپراتوری گورکانی هند (که نزدیکاً با پایان به امپراتوری مغول معروف است) پارسی زبان دربار هند بود، و در آن دوره تعداد شعرای ایرانی و هندیان پارسی‌گوی در آن سرزمین شاید از شعرای خود ایران بیشتر بود، و شاید کانون واقعی ادب پارسی نیز در آن زمان بیش از آنکه شهری در ایران باشد شهر لاهور بود. درست در همان زمان، در سرزمین‌های پهناور آسیای میانه، یعنی در بخارا و سمرقند و خیوه و مرو و غیره، پارسی زبان فرهنگ و ادب بود، بطوریکه پادشاهان شیبانی از یک که دشمنان کینه‌توز ایران بودند، تقریباً همه به فارسی شعر میگفتند، و بازم در همان زمان در امپراتوری عثمانی که سلطان‌های آن نیز پادشاهان ایران را بزرگترین دشمنان خویش میشمردند، گردآوری دیوان‌های شعر پارسی مایه افتخار صاحبان مناصب بزرگ بود، و نه فقط در سراسر امپراتوری پس از قرآن کریم اشعار جلال‌الدین مولوی جنبه مقدس داشت، بلکه سلاطین عثمانی اشعار خویش را به فارسی میسرودند و حتی در یوگوسلاوی سخنرایان بسیار به پارسی شعر میگفتند. درباره همه این موارد، در فصول مربوط به بزرگ این کشورها در مجموعه حاضر توضیح لازم داده خواهد شد.

در آغاز قرن چهاردهم انتشار سفرنامه معروف مارکوپولو عده زیادی از اروپائیان را متوجه ایران کرد و مقارن با همان زمان فعالیت روحانیان کاتولیک در سرزمینهای شرقی بعلت استقرار حکومت‌های غیرمسلمان مغول در این سرزمینها توسعه

یافت. در اوائل این قرن بمنظور آشنا کردن مملعتان اعزامی کلیسا با مشرق زمین، از طرف پاپ کلمنتوس چندین دارالعلم تدریس زبانهای شرقی (منجمله فارسی) در ایتالیا و اسپانیا و فرانسه تأسیس شد، و نخستین فرهنگ زبان فارسی در اروپا توسط کنیشتان فرانسیسکن در ۱۳۰۳ در رم تألیف گردید. یکی از همین کنیشتان بنام «ریکاردو دامونته کروج» در آغاز آن قرن به تیریز رفت و چندسال در آنجا ماند و فارسی را بخوبی فراگرفت و در بازگشت خود سال ۱۳۱۵ سفرنامه جالبی درباره ایران نوشت.

جالبترین کتاب مربوط به ایران در این قرن سفرنامه معروف کلویجو Clavijo سفیر کاستیل در دربار ایران است که ترجمه فارسی آن اخیراً توسط نگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر شده است.

در قرون پانزدهم و شانزدهم مرادوات اروپائیان با سرزمینهای شرق اسلامی منجمله ایران توسعه روزافزون یافت و بخصوص با استقرار حکومت عثمانی کشورهای مختلف مسیحی اروپا که در خطر استیلای ترکان عثمانی قرار گرفته بودند متوجه ایران رقیب نیرومند این کشور در آسیا شدند. نمایندگان جمهوریهای ونیز و فلورانس و بعداً سفرای انگلستان و فرانسه و آلمان و لهستان و مسکوی و اسپانیا و هلند در ایران و سفرای اعزامی ایران بدین ممالک و بدربار پاپ اعظم، در عین آنکه روابط سیاسی رامیان ایران و این کشورها مستقر کردند توجه خاص دولتها و مردم این سرزمینها را به ایران نیز باعث شدند، و این توجه طبعاً کوشش بیشتری را از جانب خواص این کشورها برای شناسائی این کشوری که در کتاب مقدس و در تواریخ کهن یونان و روم از آن بکرات یاد شده بود موجب گردید. وجود این روابط سیاسی و منافع مشترک ایران و این کشورها در زمینه جلوگیری از توسعه نفوذ عثمانیان، و توجه روزافزون به شرق که حاصل توسعه اکتشافات دریانوردان اروپائی و کشف راههای ارتباطی تازه‌ای با آسیا بود، از اوائل قرن هفدهم دوره تازه‌ای را در شناسائی جهانی فرهنگ و تمدن ایران بوجود آورد که تا امروز ادامه دارد.

آغاز قرن هفدهم مسیحی در واقع آغاز نهضت آشنائی با زبان و ادبیات ایران در اروپا بود. در سال ۱۵۹۰ نخستین کتاب چاپی مربوط بایران در اروپا بنام *Barnabé Brisson Regio Persarum Principatu* توسط لاتینی در پاریس انتشار یافت. در ۱۶۳۴ نخستین ترجمه گلستان سعدی در اروپا بزبان فرانسه توسط *André du Ryer* در پاریس منتشر شد. در ۱۶۳۹ نخستین دستور زبان فارسی توسط *Ludovicus de Dien* هلندی در لاهه چاپ شد. سه دستور جامع دیگر بزبان فارسی در همین قرن توسط *John Greaves* (انگلیسی) در اسکندریه (۱۶۴۹) و *Franciszek Meninski* (لهستانی) در وین (۱۶۸۰ تا ۱۶۸۷) و *Ange de St-Joseph* (فرانسوی) در پاریس (۱۶۸۴) بچاپ رسید، و در همین سال یک فرهنگ نفیس فارسی و ایتالیائی و لاتین و فرانسه، در آمستردام منتشر شد. در ۱۶۳۹ ترجمه فارسی انجیل در هلند و در ۱۶۵۷ ترجمه فارسی تورات و انجیل در لندن انتشار یافت. در سال ۱۶۵۱ نخستین متن فارسی گلستان سعدی در چاپخانه شرقی *Leiden* هلند که در نیمه دوم قرن شانزدهم تأسیس شده بود بچاپ

رسید . در ۱۶۸۰ برای اولین بار در اروپا ترجمه قسمتی از دیوان حافظ توسط **Meninski** بزبان لاتین دروین منتشر شد .

در جریان همین قرن هفدهم مسیحی بود که مهمترین سفرنامه های غربی مربوط به ایران پیاپی در اروپا انتشار یافت . در آغاز قرن سفرنامه هانس شیلترگر آلمانی در فرانکفورت منتشر شد . در ۱۶۳۶ **Thomas Herbert** شرح سفر خود را با ایران در نخستین «سفرنامه ایرانی» چاپ انگلستان انتشار داد . در ۱۶۴۷ سفرنامه معروف **Adam Olearius** دانمارکی که شرح سفر چهارساله او (۱۶۳۵ تا ۱۶۳۹) با ایران بود در «شلوپک» چاپ شد . در ۱۶۵۱ کرنلیوس دو بروین **Cornelius de Bruyn** هلندی که مدتی در تخت جمشید بسر برده و نخستین طرحهای مربوط باین بنا را ترسیم کرده بود شرح سفر جالب خود را در مجموعه ای نوشت که بعدها در پنج جلد در آمستردام منتشر شد . از ۱۶۵۸ تا ۱۶۶۳ سفرنامه **Pietro della Valle** ایتالیایی که از عالیتین آثار نوع خود درباره ایران است در رم و پاریس انتشار یافت . در ۱۶۷۶ سفرنامه **Tavernier** و در ۱۶۸۶ سفرنامه مشهور و متصل **Chardin** بفرانسه منتشر شد . از لحاظ هنری ، این قرن قرن تجلی ایران در صحنه های آثارهای کلاسیک اروپا بود . تنها در نیمه دوم قرن هفدهم بیش از دوازده نمایش مربوط بتاریخ ایران در پاریس و ورسای به روی صحنه آمد که مهمترین آنها «شاهزاده خانم اشکانی» و «مهریاد» و «استر» و «خسرو» تراژدیهای معروف کرنی وراسین و رترو بود .

قرن بعد یعنی قرن هیجدهم از نظر ایران شناسی قرن انتشار آثار بزرگ تحقیقی مربوط بتاریخ و زبان و ادبیات مذهبی ایران بود . مهمترین کاری که درین رشته در اروپا صورت گرفت انتشار ترجمه کامل «اوستا» بزرگترین اثر مذهبی ایران بود که توسط دانشمند و محقق ایران شناس نامی فرانسوی **Anquetil Duperron** در سال ۱۷۷۱ در پاریس صورت گرفت و با نشر این اثر عظیم نهضت آشنائی با آئین باستانی ایران و تبعات وسیع اوستائی و پهلوی در اروپا آغاز شد که در طول قرون هیجدهم و مخصوصاً نوزدهم بصورت بزرگترین رشته ایران شناسی اروپا درآمد . «انکتیل دوپرون» برای آموختن زبانهای اوستائی و پهلوی و آشنائی بامتون اوستائی و تهیه نسخه های خطی این کتاب پانزده سال با تحمل حوادث بیشمار در هندوستان بسر برده بود .

در همین قرن چندین اثر تحقیقی جالب دیگر درباره ایران انتشار یافت که از زمره آنها میتوان از «تحولات امپراتوری ایران» تألیف **T. Krusinski** لهستانی (چاپ رم - ۱۷۲۷) ، و نخستین کتاب تحقیقی جامع اروپائی درباره آئین مانی تألیف **Isaac de Beausobre** (چاپ آمستردام ۱۷۳۴) ، و «تاریخ مذاهب ایرانیان» تألیف **Paul Fouché** روحانی فرانسوی (چاپ پاریس ۱۷۵۱) ، و نشر مطالعات عملی درباره تخت جمشید توسط «آکادمی ادبیات و خطوط» فرانسه (پاریس ۱۷۶۴) نام برد . در طول این قرن مکتب ایران شناسی انگلستان توسط **Sir William Jones** پایه گذاری شد و انجمن پادشاهی آسیای بنگال «که در دنبال آن انجمنهای خاورشناسی متعدد اروپا تأسیس گردید در هندوستان بوجود آمد و نیز «آموزشگاه زبانهای زنده شرقی» پاریس که هنوز هم مشغول کار است (و شعبه زبان فارسی از آغاز از شعب اصلی آن بود) تأسیس شد .

قرن نوزدهم را میتوان دوره کمال ایران‌شناسی مغرب زمین دانست، زیرا در این قرن در کلیه رشته‌های این فن پیشرفتهای وسیع و بیسابقه‌ای صورت گرفت. انجمنهای مهم خاورشناسی که در همه آنها رشته خاص مطالعات ایرانی وجود داشت یکی پس از دیگری در کشورهای متمدنی اروپا و در آمریکا تأسیس گردید، و صدها خاورشناس که عده مهمی از آنها رشته ایران‌شناسی را برگزیده بودند در این انجمنها بکار پرداختند. تقریباً همه آثار بزرگ ادبیات ایران بزبانهای مختلف اروپائی ترجمه شد، و از برخی از آنها ترجمه‌های متعدد منظوم و منثور بیک زبان واحد انتشار یافت. در عالم ادب اروپا آثار متعددی درباره ایران بوجود آمد که مهمترین آنها «دیوان شرقی و غربی» Goethe «لاله رخ» Thomas Moore و رستم و سهراب Matthew Arnold و گل‌های شرقی F. Rückert، و از مزدوهاریمین A. Mickiewicz است. ترجمه‌های عالی شاهنامه در فرانسه و انگلستان و آلمان و ایتالیا و لهستان، ترجمه مشهور فیتزجرالد از رباعیات خیام و ترجمه‌های متعدد از عطار و نظامی و مولوی و سعدی و حافظ و جامی و منوچهری و ناصر خسرو و یاباطاهر عریان و شیخ محمود شبستری و سنائی و عبیدزاکانی و انوری و یغما و از آثار مهم نثر فارسی از قبیل قابوسنامه و انورسلی و سیاست‌نامه و مرزبان‌نامه عموماً در این قرن در کشورهای مختلف اروپائی انجام گرفت. ترجمه‌های متعددی از اوستا در همین مدت بزبانهای مختلف منتشر شد. مجموعه بی‌نظیر و گرانبهای نسخ خطی اوستائی و پهلوی در اوایل این قرن توسط Westergaard جمع‌آوری شد که اکنون در کپنهاگ نگهداری میشود. تبعات وسیع در زبان‌های قدیم ایران در همین قرن توسط دانشمندان زبان‌شناسی اروپائی و بخصوص محققین ژرمنی و اسکاندینا و صورت گرفت، و مخصوصاً با خوانده شدن خطوط میخی هخامنشی توسط Rowlinson فصل جدید و درخشانی در دفتر ایران‌شناسی گشوده شد و بسیاری از نکات تاریک تاریخ و تمدن ایران از پرده ابهام بیرون آمد. کشف گنجینه گرانبهای اسناد و نوشته‌های مانوی در «تورفان» در اوایل قرن حاضر دریچه تازه‌ای بود که بر شناسائی فرهنگ ایران کهن گشوده شد.

در طول همین قرن، در چندین کشور غیر اروپائی بخصوص در آمریکا و هندوستان و عثمانی نیز کارهای تحقیقی و ادبی جالبی درباره ایران صورت گرفت که از جمله آنها مخصوصاً نشر متون آثار مهم ادب فارسی و نشر فرهنگها و دستورهای متعدد زبان فارسی و انتشار روزنامه‌های گوناگون فارسی در هندوستان شایان تذکر خاص است. فعالیت‌های وسیعی که بدین ترتیب در سراسر قرن نوزدهم در رشته‌های مختلف ایران‌شناسی صورت گرفت، زمینه کار انستیتوها و انجمنهای خاورشناسی و ایران‌شناسی، نشریات ایران‌شناسی و خاورشناسی، مراکز تعلیم زبان و ادبیات فارسی، و فعالیت‌های مختلف تبعی و تحقیقی مربوط بایران گردید که مجموعه حاضر به شرح آنها اختصاص یافته است.

با شروع دوران اکتشافات دریائی اروپائیان و راه یافتن آنها به سرزمینهای آسیائی و با ارتباط روزافزون بازرگانی و نفوذ سیاسی ایشان در شرق، اروپائیان بر اثر آشنائی با تمدنها و فرهنگهای کهنسال شرق منجمله ایران متوجه لزوم تأسیس مراکز تحقیقی مجهزی برای تتبع در آثار فرهنگی و مدنی این ملل و

شناسائی زبانها و ادبیات علوم و فلسفهها و مذاهب شرقی شدند و بر اثر همین احتیاج بود که « انجمنهای خاورشناسی » بوجود آمد.

نخستین انجمن از این نوع آکادمی باتاو *Academiae Lugduno Batavae* بود که در سال ۱۷۸۰ توسط هلندیها تأسیس شد و تقریباً بلافاصله بعد از آن « انجمن پادشاهی آسیائی بنگال *Royal Asiatic Society of Bengal* در سال ۱۷۸۴ در کلکته تأسیس گردید ، و در نبال آن شعبه بمبئی این انجمن بنام انجمن آسیائی بمبئی *Royal Asiatic Society, Bombay Branch* در سال ۱۸۰۵ در بمبئی ایجاد شد . این انجمن در واقع اساس کار سایر انجمنهای خاورشناسی است که در خود انگلستان و در سایر کشورهای اروپائی بوجود آمد ، و بخصوص این اهمیت را داشت که فن خاص « ایرانشناسی » را در مغرب زمین بنیاد نهاد ، زیرا در آن هنگام نفوذ زبان و ادبیات فارسی در هندوستان (که اندک اندک بصورت مستعمره انگلستان در میآمد) بقدری بود که بدون شناسائی آن اداره سرزمین پهناور هند امکان نداشت. بدینجهت « انجمن آسیائی » بنگاله از آغاز تأسیس خود مهمترین شعبه غیر هندی خویش را شعبه ایرانی قرارداد و تنبغات ایرانشناسی همین انجمن بانگلستان و اروپا راه یافت و نهضت وسیع آشنائی با زبان و ادبیات فارسی و مذاهب باستانی ایرانرا در اروپا باعث گردید .

دو « انجمن خاورشناسی » بسیار معروف در اروپا تقریباً مقارن یکدیگر در پاریس و در لندن تأسیس شد. انجمن فرانسوی در سال ۱۸۲۲ بنام *Société Asiatique* توسط دانشمند و شرق شناس برجسته فرانسوی « سیلوستر دوساسی » در پاریس ایجاد شد و در سال بعد (۱۸۲۳) انجمن انگلیسی بنام

Royal Asiatic Society of Great-Britain and Ireland

در لندن تشکیل شد . این دو مؤسسه مهم علمی و تحقیقی از آن زمان تاکنون بدون وقفه مشغول کارند ، و صدها خاورشناس و ایرانشناس برجسته درینمدت با آنها همکاری داشتهاند . نشریات این انجمن ها از سالهای ۱۸۲۳ و ۱۸۳۴ تاکنون مرتباً انتشار یافتهاند، و دوره آنها شامل عالیتترین تنبغات دانشمندان غرب درباره جنبه های مختلف فرهنگ ایران است . انجمن آسیائی انگلستان که تدریجاً شعباتی در سیلان و چین و مالزی و غیره ایجاد کرد از ۱۸۲۸ دارای دائره ای بنام *Oriental Translation Fund* شد که بودجه آن اختصاص به ترجمه آثار شرقی دارد و تاکنون توسط آن صدها کتاب شرقی منجمله ایرانی انتشار یافته است .

اندکی پس از این دو انجمن خاورشناسی آلمان نام : *Deutsche Morgenländische Gesellschaft* در سال ۱۸۴۷ تشکیل گردید که خیلی زود بر اثر فعالیتهای خاورشناسان بزرگ و برجسته آلمانی بصورت یکی از معتبرترین مراکز تنبغات شرقی در تمام جهان درآمد ، و نشریه این انجمن که

Zeitschrift der Deutschen Morgenländische Gesellschaft

نام دارد و از سال ۱۸۴۷ تاکنون منظمآ انتشار یافته است از لحاظ اهمیت و ارزش علمی غالباً از دوشهریه مشابه خود در فرانسه و انگلستان نیز بالاتر بشمار میآید .

انجمن خاورشناسی معتبر دیگری اروپائی در سال ۱۸۸۶ در وین (اتریش) بنام : *Vereinigung Oesterreichischer Orientalisten* تأسیس گردید. اتریش در

این‌زمان دارای سابقه استواری درآشنائی با فرهنگ و ادبیات شرق بخصوص ایران بود و نه فقط ترجمه‌های متعددی از آثار ایرانی توسط ایرانشناسان برجسته بخصوص « هامرپورگستال » مترجم معروف حافظ (که خود در ۱۸۱۲ يك « انجمن آشنائی با ادبیات شرقی » دروین بوجود آورده بود) دروین منتشر شده بود ، بلکه متن فارسی شاهکارهای درجه اول ادبیات ایران (حافظ ، مولوی ، جامی وغیره) دراین‌کشور انتشار یافته بود . انجمن خاورشناسی اتریش از هنگام تأسیس خود نشریه معتبری بنام *Vienna Oriental Journal* بزبان انگلیسی انتشار داد که از ۱۹۱۴ بعد بنام آلمانی: *Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes* درآمد . این مجله نیز از نشریات معتبر خاورشناسی اروپا است .

انجمن خاورشناسی امریکا *American Oriental Society* در اواسط قرن نوزدهم (۱۸۴۲) در *New Haven* تأسیس شد و از همانوقت مجله‌ای بنام *Journal of the American Oriental Society* انتشار داد که هنوز منتشر میشود .

در روسیه در اواخر قرن گذشته انجمن شرقشناسی مهمی بنام « انجمن امپراتوری خاورشناسی » *Imperatorskago Obshchestva Vostokovedenia* در سن پترزبورگ تأسیس شد و چندین مرکز تعلیم زبانهای شرقی در سن پترزبورگ و مسکو و قزاقان و اووسایو خارکف بوجود آمد . پس از انقلاب شوروی سازمان دیگری بنام اتحادیه علمی خاورشناسی شوروی جانشین آن شد و بعداً انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی در مسکو ولنینگراد تأسیس گردید .

در ایتالیا انجمن خاورشناسی بصورت رسمی فقط در اوائل قرن بیستم (۱۹۰۵) ایجاد شد . این مرکز علمی « انجمن آسایتا ایتالیا » *Società Asaitica Italiana* نام داشت و از سال ۱۹۰۶ نشریه وزینی بنام *Giornale della Società Asiatica Italiana* انتشار داد . این انجمن و نشریه آن در اواخر جنگ دوم جهانی از میان رفت و چندین مؤسسه دیگر علمی ادامه فعالیت‌های آنرا بعهده گرفتند که مهمترین آنها انستیتوی شرق — *Istituto per l'Oriente* — و انستیتوی ایتالیائی خاورمیانه و خاور دور *Istituto Italiano per il Medio ed Estremo Oriente* اند . نشریه مهم خاورشناسی این‌کشور *Rivista degli Studi Orientali* از سال ۱۹۰۷ تاکنون منظمآ منتشر شده است .

در قرن حاضر تدریجاً انجمنهای خاورشناسی دیگری بترتیب در سوئد (۱۹۰۶) ، فنلاند (۱۹۱۷) ، واتیکان (۱۹۱۷) ، نروژ (۱۹۲۰) ، دانمارک (۱۹۲۲) ، چکسلواکی (۱۹۲۲) ، لهستان (۱۹۲۲) ، مجارستان (۱۹۲۳) ، هلند (انجمن خاورشناسی هاند ، جانشین انجمن سابق باتاوا ۱۹۲۳) ، یوگسلاوی (۱۹۲۴) ، بازیك (۱۹۳۶) ، اسپانیا (۱۹۴۰) ، ژاپن (۱۹۴۶) ، سویس (۱۹۴۷) ، اسرائیل (۱۹۴۹) ، کانادا (۱۹۵۳) ، استرالیا (۱۹۵۷) تأسیس گردید که هر يك فعالیت‌های جالبی داشته‌اند . در کشورهای لهستان ، مجارستان ، چکسلواکی ، یوگسلاوی بعد از جنگ دوم جهانی بر اثر تغییر رژیم حکومتی این ممالک سازمان این انجمنها نیز تغییر یافته و اکنون تقریباً همه آنها شعبه‌ای از آکادمیهای علوم این‌کشورها هستند . در هر يك از کشورهای نامبرده بجز این انجمنهای اصلی خاورشناسی ، انستیتوها

وانجمنها و مراکز متعدد دیگری وجود دارد که کارشان با تتبعات مربوط بفرهنگ‌های شرقی مربوط است، و مشخصات این مراکز در فصول مختلف این کتاب شرح داده شده است.

درباره طرز تنظیم مطالب مجموعه « جهان ایران‌شناسی » بهتر است توضیحات ذیل بنظر خوانندگان گرامی این کتاب برسد :

۱- فصول هشتاد و چهارگانه این مجموعه که به هشتاد چهار کشور اختصاص یافته، به ترتیب تقدم اسامی کشورها بر حسب الفبای فارسی طبقه‌بندی شده، ولی در مورد هر کشور ترتیب تقدم و تأخر شهرهائی که دارای مراکز ایران‌شناسی یا کتابخانه‌ها و موزه‌ی دارای آثار ایرانی هستند بر حسب الفبای لاتین تنظیم شده است تا مراجع بدانها برای خوانندگان خارجی کتاب آسانتر باشد. در مورد کشورها، در این کتاب فقط به وضع فرهنگی توجه شده است، و ازین نظر کشورهائی که از لحاظ سیاسی توسط دولت ایران برسمیت شناخته نشده‌اند (اسرائیل، چین کمونیست، آلمان شرقی، آلبانی و غیره) با نامی که رسماً نامیده میشوند در این مجموعه ملحوظ شده‌اند، و این ترتیبی است که در سایر کتب مشابه چاپ کشورهای خارجی نیز معمول است.

۲- در مورد هر کشور، اطلاعات مشروحه بترتیب ذیل طبقه‌بندی شده است (بدیهی است در صورتیکه قسمتی از مراکز مورد نظر در آن کشور وجود نداشته، در این طبقه‌بندی جائی بدان اختصاص داده نشده است) :

تاریخچه روابط فرهنگی ایران با آن کشور. تاریخچه مطالعات ایران‌شناسی در آن کشور. مراکز کنونی مطالعات ایران‌شناسی. مراکز دانشگاهی و خصوصی تدریس زبان فارسی و زبانهای ایرانی در آن کشور. مراکز کتب و اسناد خطی فارسی. مراکز آثار هنری و باستانی ایران. نشریات خاورشناسی یا مربوط به خاورشناسی که عادتاً مقالات مربوط به فرهنگ و تمدن ایران در آنها بچاپ میرسد - فهرست کتابهای مربوط به ایران، ترجمه‌های آثار ایرانی و متون فارسی که تاکنون در هر کشور بچاپ رسیده است. در مورد اخیر، تذکر دو نکته ذیل لازم است که اولاً این فهرست فقط شامل اسامی کتابهای چاپ شده است. و نه مقالات تحقیقی مربوط به ایران، زیرا در غیر این صورت این فهرست از گنجایش کتاب خارج میشود، ثانیاً مؤلف ادعای آن را که این فهرست‌ها شامل اسامی تمام کتابهای چاپ شده مربوط بایران است ندارد. و بهمین نظر عنوان آنها « فهرستی از ... » ذکر شده است. در این مورد امیداست محققان و مراکز انتشارات خارجی پس از نشر چاپ اول مجلدات این مجموعه برای تکمیل این فهرست‌ها همکاری بیشتری بامؤلف بکنند تا در چاپهای بعد این فهرست‌ها که مورد استفاده همه مراکز ایران‌شناسی جهان قرار خواهد گرفت هرچه ممکن باشد کاملتر شود. - در مورد سایر اطلاعات مندرج در این مجموعه نیز مؤلف همین انتظار را از مراکز مربوطه و از دانشمندان ایران‌شناس جهان دارد، و امیدوار است همکار رزنده آنها کمک مؤثری به تکمیل این مجموعه در چاپهای آینده آن بکند.

۳- در چاپ حاضر، متأسفانه نظر به عدم دسترسی به حروف لاتینی مخصوصی که در مورد نقل اسامی شرقی به خط لاتینی بکار میرود، و برخی از حروف که در

زبانهای خاصی مورد استعمال است، نقل بعضی از مطالب بخط لاتینی بصورت اصلی آنها با اشکال مواجه بوده است. امید است در چاپهای بعد همه این نوع حروف مخصوص فراهم شود تا نقل اسامی به لاتینی بصورت بی‌نقص انجام گیرد.

۴ - در نقل تلفظ فارسی اسامی خاص خارجی، اعم از شهرها و مراکز علمی و اشخاص، طرزتلفظ آنها به زبان اصلی‌مالک قرار گرفته است، بجز در مواردی از قبیل پاریس و مونیخ و نظائر آن، که تلفظ واقعی آنها بکلی برای خوانندگان فارسی زبان نامأنوس است.

۵ - در مقدمه‌های فصول، برای احتراز از آنکه مجموعۀ حاضر از حد متعارف مفصلتر شود، از نقل فهرست کلیه مراجع و مدارکی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند خودداری شده است. ولی در صورتیکه پس از انتشار جلد حاضر این موضوع از طرف صاحب‌نظران ضروری تشخیص داده شود، در جلد های آینده فهرست مراجع مقدمه‌های فصول نقل خواهد شد و در چاپ بعدی جلد حاضر نیز چنین فهرستی بدان افزوده میشود.

۶ - برای آنکه شرح حال دانشمندان ایران شناس معاصر و کارهای آنها درباره ایران بصورت جامعتری در دسترس خوانندگان مجموعه جهان‌شناسی ایران قرار گیرد، بجای آنکه در هر فصل صفحاتی به ایشان اختصاص داده شود، یک جلد کامل یعنی جلد ماقبل آخر این مجموعه (آخرین جلد مجموعه به فهرست‌های مختلف کاپیه مجلدات جهان‌شناسی اختصاص یافته است) بصورت « فرهنگ ایران شناسان » بدانان اختصاص خواهد یافت. این فرهنگ، شامل شرح حال کلیه ایران شناسان معاصر، از همه کشورها، بصورت الفبائی اسامی آنان همراه با عکس و فهرست کتابها و مقالاتشان درباره ایران خواهد بود.

۷ - در آخر هر جلد، آدرس‌های مراکز و مراجع مختلفی که در آن جلد از آنها نام برده شده بجا رسیده است تا در صورتیکه سازمانهای فرهنگی دولتی یا ملی و یا خوانندگان این کتاب از نظر شخصی بخواهند برای کسب اطلاعات بیشتری یا آنها مکاتبه کنند یا مستقیماً تماس بگیرند، نشانی این مراکز را در اختیار داشته باشند.

امیدوارم نشر مجموعه « جهان‌شناسی » چنانکه آرزوی من است، وهدف از تدوین این مجموعه نیز همین بوده است، زمینه‌ای باشد که براساس آن مراجع مختلف ایران‌شناسی ایران و سراسر جهان از کارها و فعالیت‌های یکدیگر واز مراکزی که ممکن است آثار مورد علاقه ایشان برای پیشرفت مطالعات و تسببات آنان در آنها وجود داشته باشد هرچه بهتر و بیشتر آگاهی یابند واز این راه همکاری وسیعتر و کاملتری را میان خود برقرار سازند تا براساس آن، فعالیت‌های پرارزش مربوط به فرهنگ ایران در تمام جهان در همین توسعه هماهنگی بیشتری پیدا کند. درین مورد مهمترین پاداشی که همکاران ارجمند ایران‌شناس در سراسر جهان به مؤلف این مجموعه میتوانند داد، کمک ایشان به تکمیل اطلاعات مندرجه در آن است، تا چنین مجموعه‌ای که بی‌شک مورد استفاده مراجعه همه آنان خواهد بود، هر قدر ممکن باشد در چاپهای بعد کاملتر و جامعتر گردد.

مهر ماه ۱۳۴۸ - شجاع‌الدین شفا